



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مناسک عمرہ

مفروضہ



مجمع عالیہ تفسیر حضرت شاہ ولی اللہ اعظمی
آغا علی خان پرنسپل ایف اے اسلامیہ کالج کراچی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک عمره مفرده

نویسنده:

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	مناسک عمره مفرده: مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الشریف
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۱	فضیلت عمره
۲۲	احکام عمره مفرده
۲۲	اشاره
۲۵	مستحبات احرام عمره
۲۷	مکروهات احرام
۲۸	مواقیت احرام
۳۱	واجبات احرام
۳۳	نیت احرام
۳۳	چگونگی تلبیه
۳۴	مستحبات تلبیه
۳۵	کارهایی که بر محرم حرام است
۳۵	اشاره
۳۵	الف. اختصاصی مردان
۳۵	ب. اختصاصی زنان
۳۶	ج. مشترک بین مرد و زن است:
۴۷	مستحبات وارد شدن به حرم
۴۸	مستحبات داخل شدن به مکه معظمه
۴۹	مستحبات تشرف به مسجد الحرام
۵۴	احکام طواف عمره
۵۴	شرایط طواف

۵۸	واجبات طواف
۶۴	مستحبات و مکروهات طواف
۶۸	نماز طواف
۷۰	مستحبات نماز طواف
۷۱	سعی بین صفا و مروه
۷۱	واجبات سعی
۷۵	مستحبات سعی
۸۰	تقصیر یا حلق
۸۱	طواف نساء و نماز آن
۸۲	طواف وداع
۸۳	آداب تشریف به مدینه طیبه
۸۶	آداب زیارت مدینه منوره
۸۶	اشاره
۸۸	اذن دخول مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله
۸۸	اشاره
۹۰	زیارت اول
۹۰	کیفیت زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله
۹۲	زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
۹۲	اشاره
۹۳	زیارت دوم
۹۵	زیارت ائمه بقیع علیهم السلام
۹۸	زیارت امین الله
۱۰۰	سایر زیارات در مدینه طیبه
۱۰۲	زیارت جناب فاطمه بنت اسد والده محترمه امیر المؤمنین علیه السلام
۱۰۴	زیارت حضرت حمزه عم بزرگوار پیغمبر در احد
۱۰۶	زیارت قبور شهدای احد رضوان الله علیهم

۱۰۷ ----- زیارت وداع

۱۰۸ ----- زیارت رجبیه

۱۱۲ ----- تذکر مهم

۱۱۹ ----- درباره مرکز

مناسک عمره مفرده: مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الشریف

مشخصات کتاب

سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۸ -

عنوان و نام پدیدآور: مناسک عمره مفرده: مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الشریف.

مشخصات نشر: قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی □ ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۱۱ص؛ ۱۲ × ۱۶ س م.

فروست: فقه.

شابک: ۱۵۰۰۰ریال ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۰۸-۲:

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: چاپ یازدهم.

موضوع: حج عمره

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه

رده بندی کنگره: BP۱۸۸/۹۲/ص ۲۵م ۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۲۴۷۵۲

ص: ۱

اشاره

مطابق با فتاویٰ مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظلہ الشریف

دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَ أَشْرَفِ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّ - اِهْرِينَ، لَاسِيْمَا بَقِيَهُ اللهُ فِي الْأَرْضِينَ وَ
لَعَنَهُ اللهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

ص: ٧

(وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ) (۱)

پرستش و بندگی خداوند متعال و خضوع در پیشگاه صاحب این عالم و غیب جهان یکی از چیزهایی است که انسان را بر حسب فطرت خود به آن مایل است و خود را به آن نیازمند می‌یابد و بالذات این حالت حاجت به پرستش را احساس می‌کند و تا این حاجت برآورده نشود، وجدان او آرام و راحت نمی‌شود، و این، واقعیت و حقیقتی است که در قرآن مجید در آیات متعدد بیان شده است.

چنان که باید غرایز انسان به طور معقول و مشروع اشباع شود و خواسته‌های فطری او برآورده گردد، این خواست فطری و روحانی نیز باید برآورده شود و همان طور که اگر از سایر غرایز استفاده درست و مشروع ننمایند، در راه‌های منحرف به کار گرفته می‌شوند.

غریزه میل پرستش و فطرت علاقه به عبادت که سرچشمه و اساس و تمام کمالات معنوی است، اگر به طور صحیح مورد استفاده قرار نگیرد در صورت‌های منحرف و مسخ شده ظاهر می‌شود، و فساد و

ص: ۱۱

انحراف آن از فساد و انحراف تمام غرایز و خواسته های فطرت دیگر بیشتر است، و اساس افتادن انسان در ظلمات شرک و بت پرستی و الحاد است.

اولین و مهم ترین چیزی که دعوت انبیا علیهم السلام بعد از دعوت به اصل الوهیت و خدایی خدای یکتا به آن متوجه است، هدایت همین فطرت پرستش، خداجویی، خداخواهی و علاقه به ارتباط با غیب این جهان و صاحب کل عالم امکان است.

دعوت پیغمبران همه در این جهت متفق و متحد است که باید خدا را پرستش کرد، و پرستش غیر خدا جایز نیست چنان که در قرآن مجید می فرماید:

(وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ) (۱)

کمال عبودیت همان است که در انبیاء عظام و ائمه طاهرین علیهم السلام وجود داشت که از مظاهر آشکار آن آماده شدن حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام برای ذبح فرزندش اسماعیل علیه السلام و تسلیم بی چون و چرای آن ها بود چنان که کامل ترین و تمام ترین جلوه های آن از آفتاب

ص: ۱۲

وجود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نور افشانی کرد که دعوت و دینش به انسان ها در این خواست فطری بهترین و جامع ترین راهنمایی ها را ارائه داد، و بخش مهمی از احکام این دین حنیف برنامه های پرستش و عبادت خدا و توجه به حق است برنامه هایی که همه انسان ساز است، و علاوه بر بعد عبادی فراگیرنده ابعاد مهم اجتماعی، اخلاقی و سیاسی است، آدمی را از صفات رذیله، مثل تکبر و خودخواهی استعمار و استضعاف پاک ساخته، و به صفات حمیده، مثل برادری، تواضع، حب به خیر، احسان، رحم، عدل و انصاف، ایثار و فداکاری، صبر و استقامت، پارسایی و صفای باطن، نورانیت ضمیر و تشبه به ملائکه آراسته می نماید.

این عبادات عبارتند از نماز، روزه، حج خانه خدا، دستورات دعا و نیایش، زیارت ها و حضور در مشاهد و برنامه های عالی دیگر که برای شرح هر یک و ثمرات هر کدام کتاب ها نوشته شده است.

یکی از این برنامه های آموزنده عمره، یعنی زیارت خانه خدا کعبه معظّمه، و انجام آن برنامه عبادتی است که سابقه برگزاری آن به عصر حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام و بلکه پیش از آن می رسد.

اشخاص با این برنامه به شرف لقاء معنوی و حضور در درگاه قرب ربوبی مشرف می شود، و لیک گویان با شور و شوق فراوان به سوی خدا رهسپار می گردند، و از همان هنگام شروع به این برنامه، وصول معنوی خود را به حضرت خالق این کاینات با عظمت و آفریننده این همه کرات و کهکشان ها درک کرده، قدم به قدم از حظ لذت حضور در درگاه او بیشتر بهره می برند، و سراسر وجودشان سرشار از روحانیت و در اقیانوس های بی کران رحمت و لطف خدا شناور گردیده، و در آن ضیافت الهی از موائد رحمانی بهره مند می شوند.

گوارا باد بر آن ها که با خلوص نیت و شعور به فقر و نیاز به خداوند متعال این برنامه های مقدس را انجام می دهند، و سلام بر آنان که در مکه معظمه و مدینه طیبه با خدا و رسول خدا و اولیاء خدا تجدید عهد و میثاق نموده، و به ایمان و ولایتشان به اهل بیت رسالت علیهم السلام جلا و طراوت می بخشند.

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنْهُمْ وَ اَشْرِكْنَا فِي ثَوَابِ اَعْمَالِهِمْ وَ لَا تَحْرِمُهُمْ وَ اَيَاْنَا حَلَاوَةَ عِبَادَتِكَ وَ دُعَائِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

احكام عمره مفردہ

اشارہ

ص: ۱۵

مسأله ۱. عمره مفرده مانند سایر عبادات باید با نیت و قصد قربت به جا آورده شود، و همین قدر که پیش از محرم شدن نیتش این باشد که عمره را به دستور و برنامه ای که در رساله نوشته شده یا روحانی کاروان دستور می دهد قربه الی الله و برای خدا به جا می آورم کافی است، و لازم نیست که این نیت را به زبان بگوید. بلکه همین مقدار که کارهایی را که دستور داده می شود با این نیت انجام دهد کفایت می کند.

مسأله ۲. بعد از نیت، هفت عمل دیگر باید به ترتیب به جا آورده شود:

اول: محرم شدن از میقات.

دوم: طواف کعبه هفت دور.

سوم: دو رکعت نماز طواف پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام.

چهارم: سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه.

پنجم: حلق یا تقصیر.

ششم: هفت دور طواف خانه کعبه به نیت طواف نساء.

ص: ۱۷

هفتم: دو رکعت نماز طواف نساء پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام.

شرح هر یک ان شاء الله تعالی گفته خواهد شد.

مستحبات احرام عمره

مسأله ۳. کارهایی که پیش از احرام و در وقت مهیا شدن برای احرام، و در حال بستن احرام و بعد از آن مستحب است چند چیز است:

۱. پیش از احرام، پاکیزه کردن بدن و گرفتن ناخن و شارب و زائل کردن موی زیر بغل و موی عانه (زیر شکم).

۲. غسل احرام در میقات، و هرگاه بترسد که در میقات آب نیابد، جایز است که پیش از رسیدن به میقات غسل کند، و اگر پیش از میقات غسل کرد، و در میقات آب یافت، مستحب است که در میقات دوباره غسل کند، و اگر بعد از غسل خواب برود، یا چیزی را که خوردن و یا پوشیدن آن برای محرم جایز نیست بخورد یا بپوشد، یا استعمال بوی خوش کند، مستحب است دوباره غسل را به جا آورد، و اگر محدث به حدث اصغر، غیر از خواب بشود، بهتر است رجاءً غسل را اعاده کند، و غسل روز برای شب و غسل شب برای روز کفایت می کند، خصوصاً اگر غسل شب در آخر شب، و

ص: ۱۸

غسل روز در آخر روز باشد، و بهتر آن است که به غسل اول روز برای روز و به غسل اول شب برای شب اکتفا کند. و غسل احرام بر حائض و نفسا نیز مستحب است، و شرط احرام، طهارت از حدث نیست.

۳. خواندن این دعا در وقت غسل است:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَ طَهْرًا وَ حِزْزًا وَ اِمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِي قَلْبِي، وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ اجْرِ عَلَي لِسَانِي مَحَبَّتَكَ وَ مَدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ، وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِيَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لَكَ، وَ الْاِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

۴. آن که بعد از نماز ظهر محرم شود، و اگر در وقت نماز جای دیگر می خواهد محرم شود، بعد از یکی از آن ها، و اگر نه، بعد از نماز قضا احرام ببندد، و اگر نماز قضا بر ذمه ندارد، شش رکعت نماز یا حداقل دو رکعت نماز بخواند، و در رکعت اول، بعد از حمد، سوره قل هو الله احد «توحید»، و در رکعت دوم، بعد از حمد، سوره قل یا ایها الکافرُونَ «جحد» بخواند، و چون از نماز فارغ شود، و بخواند نیت احرام کند، حمد و ثنای خدا را گفته، و صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله عليهم بفرستد. پس دو جامه احرام را

جامه احرام از پنبه باشد، و در حال پوشیدن احرام بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أُوَدِّي فِيهِ فَرَضِي وَ اعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَ انْتَهِي فِيهِ أَلِي مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ
فَبَلَّغَنِي وَ ارْدَتْهُ فَأَعَانَنِي وَ قَبَلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي وَ وَجْهَهُ ارْدَتْ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ مَلْجَأِي وَ
مَنْجَأِي وَ دُخْرِي وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي.

نیت احرام را به زبان بیاورد.

مکروهات احرام

مسأله ۴. در احرام، چند چیز مکروه است:

۱. پوشیدن لباس سیاه، بلکه اولی ترک پوشیدن هر پارچه رنگ شده ای است مگر رنگ سبز که در بعضی روایات معتبر،
استثناء شده است.

۲. خوابیدن در رختخواب و مخده زرد، و هم چنین مکروه است محرم شدن در جامه کثیف. و سزاوار است جامه احرام نظیف
باشد، و بهتر آن است که تا نجس نشود آن را نشوید.

۳. حنا بستن بدون قصد زینت، ولی با قصد زینت خلاف

احتیاط است، بلکه احتیاط آن است که مطلقاً حنا نبندد، حتی پیش از احرام در صورتی که اثرش تا حال احرام باقی بماند، و نیز مکروه است برای زن پیش از احرام حنا بستن، هرگاه رنگ آن تا حال احرام باقی بماند.

۴. حمام رفتن و ساییدن بدن.

۵. لَبِیک گفتن در جواب کسی که او را بخواند.

۶. شستن بدن با آب سرد.

۷. مبالغه در مسواک کردن و ساییدن رو.

۸. کُشتی گرفتن، و هر کاری که در آن بیم مجروح شدن یا افتادن مو از بدن باشد.

۹. شعر خواندن.

۱۰. شستن در حالی که زانوهایش را با دست ها به بغل بگیرد بنا بر مشهور.

۱۱. استعمال ریاحین و گل های خوش بو، و بهتر ترک شستن سر به سدر و خطمی می باشد.

مواقیت احرام

مواقیت احرام، مکان هایی است که باید در یکی از آن ها احرام بسته شود.

مسأله ۵. احرام باید در یکی از مکان های معین شده که به

آن میقات می گویند بسته شود.

مسأله ۶. میقات و مکان محرم شدن در عمره مفرده برای کسی که در مکه معظمه می باشد، یکی از میقات های نزدیک حرم است، مانند مسجد تنعیم و جعرانه و حدیبیه که همه آن ها معروف و مشخص هستند.

مسأله ۷. مکان محرم شدن «میقات» برای کسانی که خارج از مکه مکرمه هستند و خانه و منزلشان قبل از میقات های پنج گانه معروف باشد، اولین میقاتی است که در وقت رفتن به عمره به آن می رسند.

این پنج میقات عبارتند از:

۱. مسجد شجره، که آن را ذو الحلیفه نیز می نامند؛ میقات افرادی است که از مدینه منوره به مکه می روند.

۲. جحفه.

۳. یلملم.

۴. عقیق.

۵. قرن المنازل.

مسأله ۸. مکان محرم شدن برای کسانی که منزلشان به مکه معظمه نزدیک تر از میقات های پنج گانه باشد همان منزلشان می باشد.

مسأله ۹. وارد شدن به حرم بدون احرام جایز نیست، بلکه

ص: ۲۲

با قصد ورود به حرم عبور از میقات بدون احرام خلاف احتیاط است.

مسأله ۱۰. چند صنف از مردم می توانند بدون احرام داخل حرم شوند:

۱. کسانی که شغل آن ها بیرون رفتن از حرم و برگشتن به آن باشد، مانند راننده ای که برای نقل و انتقال مسافرین از داخل حرم به خارج و بر عکس همه روزه بیرون می روند و بر می گردند.

۲. کسانی که برای انجام شغل و کار مستمری که دارند مثل فروش خواروبار در رفت و آمد هستند.

۳. کسی که با احرام داخل حرم شده و از احرام بیرون آمده، اگر از حرم خارج شود، و در همان ماهی که از آن خارج شده به حرم برگردد، تجدید احرام بر او واجب نیست، ولی احتیاط این است که اگر ورود او به حرم در غیر ماهی باشد که در آن از احرام خارج شده دوباره محرم شود هر چند در ماه خروج از حرم باشد.

مسأله ۱۱. اگر شخص بخواهد در یک ماه عمره های مفرده متعدد به جا آورد، مثل این که عمره اول را برای خودش، و دوم را به نیابت از پدرش، و سوم را به نیابت از مادرش، و چهارم را به نیابت از شخص دیگر به جا آورد جایز است، و در

این صورت مراعات فاصله بین عمره ها لازم نیست، ولی اگر بخواهد در یک ماه برای خودش یا به نیابت از شخصی دیگر دو عمره به جا آورد، باید عمره دوم را رجاءاً به جا آورد.

واجبات احرام

مسأله ۱۲. واجبات احرام سه چیز است:

اول: پوشیدن لباس احرام.

دوم: نیت.

سوم: گفتن چهار تلبیه.

ولی اصل احرام با دو عمل محقق می شود.

۱. نیت.

۲. تلبیه «لیک گفتن» و شخصی که می خواهد محرم شود اگر مرد باشد باید لباس دوخته ای را که پوشیده حتی کلاه و جوراب خود را بیرون آورد و دو جامه احرام را بپوشد؛ یکی را به کمر خود ببندد که از ناف تا زانو را بپوشاند، و دیگری را بر دوش ببندد به طوری که شانه را بپوشاند.

مسأله ۱۳. بر بانوان بیرون آوردن لباس دوخته و پوشیدن لباس احرام واجب نیست اگر چه احتیاط مستحب این است که روی لباسی که پوشیده اند دو جامه احرام را در

ص: ۲۴

هنگام محرم شدن بپوشند، و زن ها می توانند لباس احرام را به سر بیندازند

مسئله ۱۴. لباس احرام باید لباسی باشد که نماز خواندن در آن صحیح باشد. پس اگر لباس احرام، ابریشم خالص یا از اجزاء حیوان حرام گوشت باشد یا نجس باشد به نجاستی که در حال نماز از آن عفو نشده یا غصبی باشد، احرام در آن صحیح است، ولی اگر به نجاستی که نماز خواندن در آن صحیح است نجس باشد، مانند خون زخم و دمل و جراحت، ضرر ندارد.

مسئله ۱۵. اگر در بعض حالات احرام، لباس احرام نجس شود، احتیاط مستحب آن است که آن را عوض یا تطهیر نماید.

مسئله ۱۶. جامه احرام زن نیز مثل جامه احرام مرد باید از ابریشم خالص نباشد هر چند پوشیدن جامه احرام برای زن مستحب است، و لباسی که زن در حال احرام پوشیده، باید لباسی باشد که نماز خواندن در آن برای او صحیح باشد، و بنابر احتیاط ابریشم خالص نباشد.

مسئله ۱۷. در احرام، طهارت از حدث اصغر و حدث اکبر شرط نیست. پس شخص جنب و نیز حائض و نفساء و کسی که با وضو نیست می تواند محرم شود.

نیت احرام

مسأله ۱۸. احتیاط این است که نیت احرام بعد از پوشیدن لباس احرام باشد، و بهتر این است که در پوشیدن لباس احرام نیز قصد قربت داشته باشد.

مسأله ۱۹. چگونگی نیت این است که در پیش خود بنابر این گذارد که قربه الی الله ملتزم و متعهد می شوم جهت انجام عمره مفرده کارهایی را که بر محرم حرام است ترک نمایم، و بهتر است که نیت را به زبان بیاورد و بگوید: ملتزم و متعهد می شوم قربه الی الله کارهایی را که بر محرم حرام است ترک نمایم.

چگونگی تلبیه

مسأله ۲۰. پس از نیت و بلافاصله و همراه آن باید بگوید:

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ

و بنابر احتیاط واجب این جمله را هم بگوید:

إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

و بهتر است که لبیک دیگری اضافه کند. پس مجموع این کلمات می شود:

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

و با این عمل، شخص محرم می شود، و محرمات احرام بر او حرام می گردد.

مستحبات تلبیه

مسأله ۲۱. تکرار این چهار تلبیه مستحب است، و بیش از یک مرتبه گفتن آن واجب نیست.

مسأله ۲۲. مستحب است بعد از تلبیه، این کلمات را بگوید:

لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا أَلَىٰ دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيهِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَ
الْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُبَدِيُّ وَ الْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَ يَفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْغُوبَا وَ مَرْهُوبَا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ
إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النِّعْمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ
عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ.

و این جمله را نیز به رجاء استحباب بخواند:

لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِعُمَرِهِ.

مسأله ۲۳. مستحب است مرد تلبیه را بلند بگوید مگر در مسجد شجره که در آنجا بهتر است که اگر سواره است آهسته تلبیه بگوید، و وقتی که زمین هموار نمایان شود

بلند بگوید.

مسأله ۲۴. در وقت بیدار شدن از خواب، و عقب هر نماز واجب و مستحب و وقت رسیدن به منزل و وقتی که به سواره برسد و وقت سوار شدن و هنگام بالا رفتن بر تلی و پایین آمدن از سرایشی نیز تلبیه بگوید، و در سحرها تلبیه بسیار بگوید.

کارهایی که بر محرم حرام است

اشاره

مسأله ۲۵. بیست و پنج چیز بر محرم حرام است که بعضی از آن ها اختصاص به مردان دارد، و برخی اختصاص به زنان، و بقیه مشترک بین مرد و زن است:

الف. اختصاصی مردان

۱. پوشیدن چیز دوخته (هفتم)؛
۲. پوشیدن چیزی که تمام روی پا را می پوشاند (دهم)؛
۳. پوشاندن سر (هیجدهم)؛
۴. زیرسایه رفتن در حال سفر (بیستم).

ب. اختصاصی زنان

۱. پوشیدن زیور جهت زینت (پانزدهم)؛
۲. پوشاندن صورت (نوزدهم).

ص: ۲۸

ج. مشترک بین مرد و زن است:

اول: شکار حیوان صحرائی وحشی حلال گوشت یا حرام گوشت، مانند روباه، خرگوش، آهو، ملخ و پرندگان به تفصیلی که در مناسک حج بیان شده است.

دوم: جماع با زن، بوسیدن، بازی کردن و نگاه کردن با شهوت به او بلکه بردن هر لذتی از زن اگر چه حلال خودش باشد حرام است، و در این احکام، زن نیز مانند مرد است، یعنی نباید شوهر را ببوسد، و یا لمس کند، و یا نگاه با شهوت کند، و لذت بردن زن و مرد محرم، از مرد و زن نامحرم، و یا مرد از مرد علاوه بر آن که پیش از احرام حرام بوده، به واسطه احرام گناهِش بیشتر است.

مسأله ۲۶. اگر محرم به احرام عمره مفرده با علم و عمد جماع کند؛ خواه در قُبَیل و خواه در دُبُر، خواه زوجه دائمه باشد یا منقطع، و خواه منی خارج شود یا نه، اگر پیش از سعی باشد، بنابر مشهور عمره او فاسد می شود، و باید احتیاطاً آن را تمام کند و بعد آن را اعاده نماید، و یک شتر کفاره بر او واجب می گردد، و اگر جماع بعد از سعی واقع شده باشد، عمره او صحیح است، ولی یک شتر کفاره بر او لازم است.

مسأله ۲۷. کفاره بوسیدن مرد زن را، و هم چنین بوسیدن

زن مرد را در احرام با علم و عمد؛ چه از روی شهوت باشد و چه غیر شهوت، یک شتر است.

سوم: از محرّمات این است که زنی را برای خودش یا برای شخص دیگری عقد کند؛ چه عقد دائم باشد و چه عقد انقطاعی.

چهارم: آن که شاهد بر عقد ازدواج شود.

پنجم: استمناء است. (البته استمناء به غیر ملاعبه با حلیله خود در غیر حال احرام نیز حرام است)، یعنی کاری که به سبب آن منی از انسان خارج شود، مثل ملاعبه با زن یا با دست و کفاره آن یک شتر است، و احوط آن است که این کارها را ترک کند اگر چه سبب بیرون آمدن منی نشود.

ششم: از محرّمات، بوییدن بوی خوش است، مثل مشک و زعفران و مالیدن چیزهایی که بوی خوش دارد بر بدن، و خوردن آن، و پوشیدن لباسی که بوی خوش دارد، و بنابر احتیاط لازم، بوییدن گل های خوشبو را نیز ترک کند؛ و کفاره استعمال بوی خوش یک گوسفند است.

هفتم: پوشیدن چیز دوخته برای مردان است، هر چند کوچک باشد، ولی بستن همیان پول به کمر عیبی ندارد هر چند دوخته باشد، و بهتر آن است که طوری ببندد که بدون گره باشد، و بستن فتق بند نیز اگر ناچار باشد مانعی ندارد،

هر چند دوخته باشد، ولی بنا بر احتیاط، یک گوسفند بر او واجب می شود، و کفش دوخته نیز اگر روی پا را نپوشاند مانع ندارد.

مسئله ۲۸. احتیاط لازم آن است که به لباس احرام خصوصاً ردا، گره نزنند، و تکمه در آن ندوزند، و به چوب یا سوزن و سنجاق آن را به هم وصل نمایند.

مسئله ۲۹. حرمت پوشیدن لباس دوخته مخصوص مردها است. پس جایز است زن ها لباس دوخته بپوشند، ولی باید از پوشیدن قفازین که دست کش مخصوصی است خودداری نماید.

مسئله ۳۰. جایز نیست ردا را سوراخ کند، و سر خود را از آن بیرون آورد، و گذاردن سنگ در لای لباس احرام، و بستن و پیچیدن آن با نخ هر چند گره نزنند در صورتی که طرف ردا را روی یکدیگر بگذارد که مثل گریبان (یقه) شود نیز اشکال دارد.

هشتم: سرمه کشیدن به چیز سیاهی که اسباب زینت باشد اگر چه قصد زینت نداشته باشد، و احوط آن است که به چیزی که سیاه هم نباشد به قصد زینت سرمه نکشد، و اگر بوی خوش داشته باشد، سرمه کشیدن به آن جایز نیست.

نهم: نگاه کردن در آینه برای محرم حرام است، مگر در حال ضرورت، مثل راننده که گاهی از اوقات برای او ضرورت دارد، ولی نگاه کردن در آب صاف ضرر ندارد اگر چه احتیاط مستحب ترک آن است، و هم چنین احتیاط مستحب، ترک عینک زدن است.

دهم: از کارهایی که بر مرد محرم حرام است پوشیدن چیزی است که تمام روی پا را بپوشاند، مثل چکمه و جوراب، و احتیاط آن است که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را هم بپوشاند نیز خودداری کند، ولی بند نعلین که مقداری از روی پا را می پوشاند اشکال ندارد، و اگر محتاج شود به پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بپوشاند از جهت نداشتن نعلین، احوط شکافتن روی آن ها است.

یازدهم: فسوق است، و فسوق در غیر حال احرام نیز حرام است، و آن، دروغ و فحش دادن است؛ و نیز حرام است عیبی را از خود دور و آن را به دیگری نسبت دهد، یا صفت خوبی را برای خود بگوید، و آن را از دیگری سلب کند، بلکه احتیاط آن است که از هر سخن زشت و ناروایی در حال احرام خودداری نماید.

مسأله ۳۱. دروغ و فحش دادن سبب فساد احرام نمی شود، و کفاره آن استغفار است، و مستحب است صدقه دادن به

چیزی، بلکه کشتن یک گاو مستحب است.

دوازدهم: جدال است، و آن قسم خوردن به گفتن «لا- وَاللَّهِ» یا گفتن «بَلَى وَاللَّهِ» است؛ خواه راست باشد یا دروغ، و احتیاط واجب آن است که به غیر این دو لفظ هم قسم نخورد، و در موقع ناچاری که اثبات حق یا رد باطل به غیر آن شود مانعی ندارد، و «آری وَاللَّهِ» و «بله وَاللَّهِ» و «نه وَاللَّهِ» ملحق به آن است بنابر احتیاط لازم.

مسأله ۳۲. اگر قسمی که خورده است راست باشد، تا دو مرتبه کفاره ندارد، و باید استغفار کند، و در مرتبه سوم، کفاره آن یک گوسفند است؛ و اما قسم دروغ، در مرتبه اول کفاره آن یک گوسفند، و در مرتبه دوم یک گاو، و در مرتبه سوم یک شتر است.

سیزدهم: کشتن شپش یا کک و کنه و مانند این ها است؛ در بدن باشند یا در لباس، و هم چنین انداختن شپش و کک از بدن بلکه آن ها را از جای خودشان به جای دیگر - در صورتی که جای اول محفوظتر باشد - نقل ندهند، و اما اگر جای اول محفوظتر نیست، عوض کردن جای آن ها مانعی ندارد.

چهاردهم: به جهت زینت، انگشتر به دست کردن برای محرم حرام است، ولی به قصد استحباب عیبی ندارد، و

احتیاط آن است که از بستن حنا به قصد زینت، بلکه به غیر قصد زینت؛ در حال احرام و پیش از احرام، اگر اثرش تا حال احرام باقی می ماند، خودداری کند.

پانزدهم: پوشیدن زیور است برای زن به قصد زینت، ولی آنچه را عادت به پوشیدن آن پیش از حال احرام داشته، لازم نیست بیرون بیاورد، ولی نباید برای شوهرش یا مرد دیگری آن را نمایان سازد.

شانزدهم: مالیدن روغن به بدن است هر چند در آن بوی خوش نباشد، و نیز پیش از احرام، روغن مالیدن اگر در آن بوی خوش باشد، و اثرش تا حال احرام باقی بماند، جایز نیست.

مسئله ۳۳. اگر در حال احرام ناچار شود از مالیدن روغن، در این صورت مالیدن آن مانعی ندارد، لذا اگر از کرم های معطر استفاده کند کفاره دارد هر چند ناچار از استفاده آن باشد.

هفدهم: ازاله مو از بدن خود یا از بدن کسی دیگر اگرچه آن کس محرم نباشد - اگر چه یک مو باشد - ولی اگر ناچار باشد، مثل آن که برای رفع درد سر، مو را برطرف کند، یا آن که مو، چشم را اذیت کند، ازاله آن حرام نیست.

مسئله ۳۴. کنده شدن مو در حال وضو یا غسل بدون قصد

ضرر ندارد.

مسأله ۳۵. كفاره تراشیدن سر و ازاله موی زیر هر دو بغل، بلکه زیر یک بغل اگر ناچار شود، یک گوسفند یا سه روز روزه یا صدقه دادن ده مدّ بر ده مسکین است، و بعضی دوازده مدّ بر شش مسکین فرموده اند، و این مطابق با احتیاط است و ترک نشود، و اگر ناچار نشود هم بنا بر احتیاط واجب، كفاره آن کشتن گوسفند است، و هر گاه دست به سر یا ریش خود بکشد، و یک مو یا دو مو بیفتد، احتیاطاً یک مشت گندم یا جو و مانند این ها صدقه بدهد.

هیجدهم: آن که مرد، سر و گوش خود را بپوشاند، و احتیاط واجب آن است که گل و حنا به سر نمالد، و چیزی هم بر سر نگذارد، بلکه احتیاط مستحب این است که با دست نیز سر را نپوشاند.

مسأله ۳۶. پوشاندن قسمتی از سر نیز حرام است، ولی گذاردن بند مشک آب بر سر مانعی ندارد، و پوشیده شدن مقداری از سر یا تمام آن به واسطه دستمالی که برای درد سر به سر می بندد، مانعی ندارد، لیکن یک گوسفند كفاره دارد چنان که مذکور خواهد شد.

مسأله ۳۷. در حال احرام، سر به زیر آب یا مایع دیگری بردن برای مرد جایز نیست، بلکه احتیاط برای زن نیز ترک

ص: ۳۵

آن است.

مسأله ۳۸. کفاره پوشیدن سر بنا بر احتیاط یک گوسفند است، و اگر از روی ناچاری باشد، نیز یک گوسفند است، و احتیاط آن است که اگر بیش از یک بار سر را بپوشاند، برای هر بار جداگانه کفاره بدهد خصوصاً اگر بدون عذر باشد، و مخصوصاً اگر مجلس آن هم متعدد شود.

نوزدهم: آن که زن تمام یا قسمتی از صورت خود را با نقاب یا چیز دیگری بپوشاند.

مسأله ۳۹. پوشاندن صورت برای مردها جایز است.

مسأله ۴۰. اگر زن در موقع نماز برای آن که یقین کند سر و گردن او پوشیده شده، مقداری از اطراف صورت را بپوشاند اشکال ندارد، ولی باید بعد از نماز فوراً آن مقدار را باز کند.

مسأله ۴۱. جایز است به جهت رو گرفتن از نامحرم مقداری از چادر یا چیز دیگری را که به سر انداخته، تا محاذی چانه پایین بیندازد، لیکن احتیاط لازم این است که آن را به دست یا به چوب دور از صورت نگاه دارد که مثل نقاب نشود، و در غیر این صورت، یک گوسفند کفاره بر او لازم است.

بیستم: آن که مرد محرم در روز در حال راه پیمودن بالای سر خود سایه قرار دهد؛ چه سواره باشد و چه پیاده، و

ص: ۳۶

احتیاط مستحب آن است که در شب هم در حال راه پیمودن برای خود سایه قرار ندهد.

مسأله ۴۲. برای زن و بچه، بالای سر سایه قراردادن اشکال ندارد.

مسأله ۴۳. احتیاط مستحب آن است که مرد محرم در حال راه پیمودن در سایه چیزی که بالای سر او هم نیست نباشد.

مسأله ۴۴. در وقت ناچاری، مثل شدت سرما یا گرما یا باران، در حال راه پیمایی، زیر سایه رفتن جایز است، ولی یک گوسفند کفاره آن بر او واجب می شود، و اما اگر در احرام عمره، مکرر سوار مرکب سقف دار شود و پیاده شود، به تکرار آن، کفاره تکرار نمی شود.

مسأله ۴۵. مرد محرم در وقتی که منزل می کند، چنانچه زیرسقف و مانند آن برود یا چتر به سر بگیرد اشکال ندارد اگرچه در حال رفت و آمد برای کارهای منزل باشد، ولی احتیاط آن است که در وقت رفت و آمد در کارهای منزل هم زیر سایه نباشد هر چند مراعات آن لازم نیست.

مسأله ۴۶. کسی که از تنعیم محرم می شود چون تنعیم جزء مکه شده و مکه منزل است، استظلال برای او مانعی ندارد.

بیست و یکم: آن که از بدن خودش خون بیرون بیاورد هر چند به خراشاندن بدن یا مسواک کردن باشد اگر بداند این کارها سبب بیرون آمدن خون می شود، ولی در حال ناچاری مانعی ندارد، و کفاره آن بنا بر احوط و اولی، یک گوسفند است.

مسأله ۴۷. اگر از بدن شخص دیگری خون بیرون آورد، مثل این که رگ او را بزند، اشکال ندارد.

بیست و دوم: ناخن گرفتن است اگر چه مقدار کمی از یک ناخن باشد، و اما اگر ناچار باشد، مثل آن که مقداری از آن افتاده باشد، و باقی مانده او را اذیت کند، گرفتن آن جایز است، و کفاره آن یک مدّ (تقریباً سه ربع کیلو ۷۵۰ گرم) طعام، مثل گندم جو و مانند این ها است که باید به فقیر بدهد؛ و کفاره گرفتن تمام ناخن نیز یک مد است، و اگر تمام ناخن های دست و پا را در یک مجلس بگیرد، کفاره آن یک گوسفند است، و اگر ناخن دست ها را در یک مجلس، و پاها را در مجلس دیگر بگیرد، دو گوسفند، و اگر شخصی اشتهاً به محرمی بگوید که گرفتن ناخن در حال احرام اشکال ندارد، و آن محرم باور کند و ناخن بگیرد و اتفاقاً خون بیفتد، باید کسی که مسأله را اشتباه گفته، یک گوسفند کفاره بدهد؛ چه محرم باشد و چه محل، و چه

مجتهد باشد یا نباشد.

بیست و سوم: کندن دندان است، هر چند خون نیاید، و کفاره آن بنا بر احتیاط، یک گوسفند است.

بیست و چهارم: کندن درخت و گیاهی است که در حرم روییده باشد، ولی کندن درخت و گیاهی که در ملک خودش روییده باشد مانعی ندارد.

مسأله ۴۸. اگر محرم درختی را که کندن آن در حال احرام حرام است بکند، جمعی فرموده اند که اگر بزرگ باشد، کفاره آن یک گاو، و اگر کوچک باشد، یک گوسفند است، و این قول مشهور است؛ و بعضی فرموده اند: قیمت آن را به فقیر بدهد، و ظاهر این است که اگر گاو یا گوسفند را به قصد ما فی الذمه از عین آن ها یا قیمت درخت بدهد، و قیمت درخت بیشتر نباشد، کافی است، و اگر مقداری از یک درخت را بکند، باید به مقدار قیمت آن به فقیر بدهد، و اگر گیاهی را بکند استغفار کند، ولی کفاره ندارد.

مسأله ۴۹. کندن درخت یا گیاه حرم به تفصیلی که گفته شد برای کسی که محرم هم نیست حرام است، ولی جایز است حیوان خود را رها کند تا علف را بخورد بدون آن که خودش به جهت او، آن را قطع کند، چنان که راه رفتن به طور متعارف اگر موجب کنده شدن گیاه حرم شود، مانعی ندارد.

ص: ۳۹

بیست و پنجم: اسلحه و آلات حرب بر خود بستن است؛ و بعضی، زره و خود و هر چه از وسایل دفاع باشد را نیز جزء سلاح شمرده، و پوشیدن آن ها را حرام دانسته اند.

مسأله ۵۰. احتیاط واجب آن است که اسلحه را اگر نمایان باشد همراه بر ندارد اگر چه بر تن او نباشد.

مستحبات وارد شدن به حرم

مسأله ۵۱. بدان که مقداری از زمین هایی که از جهات چهارگانه محیط به مکه است، حرم می باشد، و علاماتی از طرف جدّه و عرفات و سایر اطراف که وارد مکه می شوند نصب شده است که معلوم است.

مسأله ۵۲. مستحب است چون به حرم رسد، قبل از ورود به آن پیاده شود، و برای وارد شدن به حرم غسل کند، و پا را برهنه کند، و نعلین را در دست گیرد، و وارد حرم شود، و در حدیث است کسی که چنین کند برای تواضع و فروتنی نسبت به خداوند متعال خداوند عالم جلّ ذکره محو کند از او صد هزار گناه، و بنویسد از برای او صد هزار حسنه، و صد هزار حاجت او را برآورد، و مستحب است که در وقت وارد شدن به حرم، این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ أَنْكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَ اذَّنْ فِي النَّاسِ

بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ اللَّهُمَّ انِّي أَرْجُوا أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شِقَّةِ
بَعِيدِهِ وَ فَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِدَعَائِكَ وَ مُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَ كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا
وَفَّقْتَنِي لَهُ ابْتِغَى بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ وَ الْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَ الْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَ التَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَيَّ النَّارِ وَ آمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مستحبات داخل شدن به مکه معظمه

بدان که مکه معظمه، مرکز طلوع انوار وجود محمدی، و مشرق آفتاب هدایت اسلامی، و مهبط ملائکه مقربین، و محل بزرگ
ترین و باشکوه ترین اجتماع مؤمنین و موحدین، و مکان نزول باران رحمت و مغفرت، و آیات بینات الهی و مقام ابراهیم خلیل
است؛ و از این جهات و جهات بسیار دیگر، مخصوصاً از جهت وجود بیت الله الحرام در آن، شرافت و حرمت آن بسیار است.

کسی که وارد آن شهر مقدس می شود، باید فضایل مشاهد بزرگ و شعائر اسلامی را که خداوند متعال مقرر داشته

متوجه باشد، تا برای ادراک برکات و فضایل آن اماکن مقدسه آماده شود، و نور حقیقت بر حال او ظاهر شده، و گناهانش آمرزیده، و عیوبش برطرف شود ان شاء الله تعالی.

«أِنَّمَا سُمِّيتَ مَكَّةَ لِأَنَّهَا تَمُكُّ الذُّنُوبَ أَي تُزِيلُهَا كُلَّهَا»

مسأله ۵۳. مستحب است به جهت وارد شدن به مکه اگر ممکن شود، غسل دیگری کند، و با آرامش دل و بدن با فروتنی و وقار وارد مکه شود، و چون وارد مکه شود از راه بالای مکه داخل شود، از عقبه «کداء» که در شمال مکه است، و بعضی این حکم را مختص به کسانی دانسته اند که از راه مدینه می روند، و در موقع خروج، از عقبه «ذی طوی» که در جنوب مکه واقع است خارج شود.

مستحبات تشریف به مسجد الحرام

مسأله ۵۴. بنا به فرموده بعضی از علما، مستحب است غسل به جهت وارد شدن به مسجد الحرام، و مستحب است از در بنی شیبه - که مقابل باب السلام است، و به واسطه توسعه مسجد در خود مسجد واقع شده است - وارد شود، و در کمال خضوع و خشوع و آرامش دل و بدن در نزد آن بایستد و بگوید چنان که در خبر صحیح است :-

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَ

بِاللَّهِ وَ مِنْ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و در روایت دیگر وارد است که می گویند:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنْ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحِمِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَيْدَاءً مَا أَبْتَقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُؤَارِهِ وَ جَعَلَنِي

مَمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَ عَلَى كُلِّ مِائْتِي حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ وَ أَنْتَ خَيْرُ مِائْتِي وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ خِدْمَتُكَ لَا شَرِيكَ لَكَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صِمْدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ (لَكَ خ ل) كُفُوًا أَحَدٌ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

پس سه مرتبه می گویی:

اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

پس می گویی:

وَ أَوْسَعِ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ.

پس داخل مسجد می شوی و می گویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

پس دست ها را بالا بردار، و روی به کعبه معظمه بکن و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَ أَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ
اللَّهُمَّ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْمُّ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ
الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ مِنْ عُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ.

پس خطاب به كعبه كن و بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَ شَرَّفَكَ وَ كَرَّمَكَ وَ جَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ.

و چون نظر بر حجر الاسود افتد رو به سوی او کند و بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ
مِمَّا أَحْسَى وَ أَحْذَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حَيْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ
بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ
تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ سَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ

ص: ۴۵

الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأَصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ.

پس به تأنی روانه شو، و گام ها را کوتاه بگذار از ترس عذاب خدا. پس چون به نزدیک حجرالاسود رسیدی، دست ها را بردار، و حمد و ثنای الهی را به جا آور، و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست و بگو:

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي

پس دست و رو و بدن را به حجرالاسود می مالی و می بوسی آن را، و اگر نتوانی بیوسی دست بمال، و اگر نتوانی دست بمالی، اشاره کن و بگو:

اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاهِ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَي سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَلْقَهُ لَمَّا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْحَبِيبِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.

و اگر نتوانی همه را بخوانی، بعضی را بخوان و بگو:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَّيْتُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي فَاقْبَلْ سَيِّئَاتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

و بعد از آن، شروع به طواف کند.

احکام طواف عمره

مسأله ۵۵. کسی که محرم به احرام عمره مفرده شده است، بعد از ورود به مکه معظمه باید هفت شوط طواف کند، یعنی هفت مرتبه دور کعبه معظمه بگردد که این کار را طواف عمره مفرده می گویند.

مسأله ۵۶. طواف، رکن عمره است، و بدون آن عمره برگزار نمی شود، و با ترک آن عمداً؛ چه عالم به حکم باشد و چه جاهل، شخص از احرام بیرون نمی آید، و اگر آن را فراموش کرد، باید هر وقت یادش آمد به جا آورد، و اگر به وطن خود رفته باشد و برگشتن به مکه مکرمه برای او امکان نداشته یا حرج داشته باشد، باید نایب بگیرد، و نماز طواف را نیز به نیابت او به جا آورد، و بنا بر احتیاط واجب علاوه بر طواف و نماز طواف، سعی را نیز خودش یا نایبش به جا آورد.

شرایط طواف

در طواف، پنج چیز شرط است:

شرط اول: آن که با طهارت باشد. پس محدث به حدث

ص: ۴۷

اکبر یا اصغر، طواف واجب او (۱) باطل است؛ خواه طواف عمره باشد و خواه طواف حج یا طواف نساء.

مسئله ۵۷. اگر در وقتی که مشغول طواف است وضو یا غسل او بی اختیار باطل شود، یا عذر دیگری برایش پیدا شود که نتواند طواف را تمام کند، پس اگر شوط چهارم را تمام کرده است، از همان جا طواف را رها کند، و بعد از وضو یا غسل یا بعد از رفع عذر، طواف را از همان جا که رها کرده تمام نماید، و اگر قبل از تمام کردن شوط چهارم بوده، اگر به سه شوط و نیم نرسیده، طواف او باطل است، و باید بعد از وضو یا غسل یا بعد از رفع عذر، طواف را از سر بگیرد، و اگر به سه شوط و نیم رسیده، و شوط چهارم را تمام نکرده، احتیاط آن است که بعد از وضو یا غسل یا بعد از برطرف شدن عذر، باقی مانده را از همان جا که رها کرده تمام کند، و دو رکعت نماز طواف بخواند، و دوباره هفت دور طواف کند، و دو رکعت نماز طواف را نیز به جا آورد.

مسئله ۵۸. کسی که قبل از طواف یا در بین طواف، قبل از تمام شدن هفت شوط شک کند که غسل کرده یا وضو

ص: ۴۸

۱- (۱) توضیح این که بعد از محرم شدن برای عمره؛ چه تمتع باشد و چه مفرده، با محرم شدن برای حج هر چند مستحبی باشد انجام طواف واجب می شود.

گرفته یا نه، یا بداند که حدیثی از او صادر شده و غسل یا وضو هم گرفته، ولی نداند کدام جلوتر بوده، باید غسل کند یا وضو بگیرد، و بعد، طواف را از سر بگیرد، و اگر بعد از طواف شك نماید، اعتنا به آن شك نکند، و کسی که شك کند که وضو یا غسلش باطل شده یا نه، به آن شك اعتنا نکند، و طواف را به جا آورد؛ چه قبل از طواف باشد، چه در بین، و چه بعد از طواف.

مسأله ۵۹. اگر کسی به واسطه عذری نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، احتیاط واجب آن است که صبر کند تا عذرش برطرف شود، و اگر عذرش تا تنگی وقت برطرف نشود، باید برای طواف، بدل از غسل یا وضو تیمم کند، به طوری که در تیمم نماز عمل می کند، و کسی که تیمم بدل از غسل جنابت کرده، بعد از آن که خودش طواف را به جا آورد احتیاطاً نایب هم بگیرد.

مسأله ۶۰. زن حائض بعد از پاک شدن و قبل از غسل، حکم او حکم جنب است در وجوب غسل با امکان، و تیمم با عدم امکان غسل، و اگر در تمام مدتی که در مکه است پاک نشود، باید برای هر طواف و نماز آن نایب بگیرد، و خودش طواف نکند، ولی سایر اعمال را خودش به جا آورد.

شرط دوم: پاک بودن بدن و لباس است، به طوری که در

نماز شرط شده است، بلکه احتیاط واجب آن است که در صورت امکان با خون کمتر از درهم، و خون زخم و جراحت که در نماز عفو شده نیز طواف نکنند، و برای طواف آن را برطرف نمایند، و تطهیر کنند، و اگر برطرف کردن و تطهیر آن ممکن نیست، احتیاط آن است که هم خودش با آن حال طواف کند و هم نایب بگیرد تا برای او طواف نماید، ولی در وسعت وقت به احتیاط واجب تأخیر طواف تا امکان تطهیر لازم است.

مسأله ۶۱. اگر بعد از طواف بفهمد که لباس یا بدنش نجس بوده، طوافش صحیح است، و اگر فراموش کرد و با بدن یا لباس نجس طواف کرد، احتیاط لازم آن است طواف را دوباره به جا آورد.

مسأله ۶۲. اگر در بین طواف، لباس یا بدنش نجس شود یا بفهمد از قبل نجس بوده، و بدون رها کردن طواف، شستن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید، و اگر چهار دور یا بیشتر طواف کرده، بعد از تطهیر بدن یا لباس، بقیه طواف را تمام کند، و اگر به سه دور و نیم نرسیده، طواف او باطل است، و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد، و اگر از سه دور و نیم گذشته و چهار دور را تمام نکرده، احتیاط آن است که بعد از تطهیر از همان جا که رها کرده، طواف را تمام کند، و

نماز طواف را بخواند، و دوباره طواف و نماز آن را به جا آورد.

شرط سوم: آن است که مرد طواف کننده ختنه شده باشد. پس اگر ختنه نشده باشد، طواف او باطل است، و بنا بر این نساء از مرد غیر مختون باطل است، و بنا بر احتیاط لازم پسر بچه ای که ختنه نشده اگر طواف نساء کند یا او را طواف دهند، طوافش باطل خواهد بود، و بعد از ختنه تا خودش یا نایبش از طرف او طواف هایی را که بر ذمه دارد به جا نیاورد، زن بر او حلال نخواهد شد.

شرط چهارم: پوشانیدن عورت است با چیزی که مباح باشد، و غصبی نباشد، بلکه احتیاط آن است که در آن تمام شرایط لباس نماز گزار رعایت شود.

شرط پنجم: باید نیت کند که برای اطاعت فرمان خداوند متعال در عمره مفرده هفت دور طواف خانه کعبه معظمه انجام می دهد.

واجبات طواف

واجبات طواف، هفت چیز است:

اول و دوم: آن است که طواف را در هر دور از حجر الاسود شروع کند، و به حجر الاسود تمام کند، و برای این که یقین نماید در هر دور، ابتدا به جزء اول حجر نموده،

ص: ۵۱

و به جزء اول تمام کرده، در ابتدای طواف باید کمی پیش از رسیدن به حجر الاسود نیت کند، و قصد نماید که ابتدا در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد، و انتهای آن همان موضعی که واقعاً انتهای دور است باشد، و با همین نیت هفت دور طواف کند.

سوم: آن که طوری طواف کند که در تمام مدتی که به طواف مشغول است خانه کعبه طرف دست چپ او باشد. پس اگر در بین طواف، رو به خانه کعبه کند، برای بوسیدن ارکان یا جهت دیگر یا آن که به واسطه زیادی جمعیت پشت به خانه یا رو به خانه کند، و مقداری از طوافش اگر چه کم باشد در این حال واقع شود آن مقدار جزء طواف محسوب نمی شود، و باید برگردد، و آن مقدار را به طوری که خانه کعبه به طرف دست چپش باشد به جا آورد، و اگر نمی تواند برگردد آن موضع را نشان کند، و بدون نیت دور بزند تا به آن موضع که رسید از آنجا قصد طواف کند، و بقیه طواف را تمام نماید.

مسأله ۶۳. برای این که در تمام احوال طواف شانه چپ مقابل خانه کعبه باشد، دستور داده اند بهتر این است که وقتی از «حجر الاسود» گذشت، پیش از رسیدن به در «حجر اسماعیل» کمی بدن را به طرف چپ خود کج کند،

و پیش از رسیدن به در دیگر حجر اسماعیل نیز قدری بدن را به طرف راست کج کند تا شانه چپ از خانه رد نشود، و مقابل هر رکنی که می رسد به همین دستور عمل کند، ولی رعایت این دقت ها لازم نیست، و همین که به طور متعارف هفت شوط را انجام دهد، کافی است.

چهارم: آن است که حجر حضرت اسماعیل علیه السلام را که مدفن مادر آن حضرت، بلکه مدفن عده ای از انبیاء علی نبینا و آله و علیهم السلام است در طواف خود داخل کند، یعنی در خارج حجر طواف کند و داخل آن نشود، و چنانچه عمداً هر چند جاهل به مسأله باشد و یا سهواً از داخل حجر طواف نماید، آن دور از طواف او باطل می شود، و اعاده آن از موضعی که داخل حجر شده کافی نیست، بلکه باید آن دور را از سر بگیرد، و اگر اعاده نکند، طواف او باطل است.

و با اعاده چون احتمال باطل شدن اصل طواف نیز می رود، احتیاط لازم آن است که پس از تمام کردن طواف و خواندن نماز، دوباره طواف کند، و نماز آن را بخواند.

پنجم: آن که در حال طواف بیشتر از بیست و شش ذراع و نیم از کعبه دور نشود (ذراع از آرنج است تا سر انگشتان). پس اگر در بین طواف بیشتر از این مقدار از خانه دور شود، باید آن مقدار را که دور بوده است از طواف حساب نکند، و

دوباره به طور صحیح به جا آورد، ولی اگر چاره ای از طواف در خارج از این فاصله نباشد، طواف در دورتر از این فاصله به شرط صدق طواف، و رعایت نزدیکی ممکن اشکال ندارد.

مسأله ۶۴. در طرف حجر اسماعیل علیه السلام فاصله از دیوار حجر محاسبه می شود.

ششم: آن که در حال طواف از خانه و آنچه از خانه حساب می شود خارج باشد. پس اگر روی سکوی اطراف خانه که آن را «شاذروان» گویند راه برود، آن مقدار از طواف که بر روی آن سکو راه رفته باطل است، و باید آن مقدار را به طور صحیح دوباره به جا آورد، و طواف را تمام و بعد از خواندن نماز طواف دوباره آن را با نمازش احتیاطاً اعاده نماید، و اگر در اثنای طواف روی حجر اسماعیل برود بلکه احتیاط آن است که در بین طواف روی شاذروان برای دست مالیدن به رکن ها یا غیر آن دست دراز نکند، و نیز دست را روی دیوار حجر نگذارد تا این که در تمام طواف، تمام بدن او از خانه و حجر خارج باشد.

هفتم: آن که هفت شوط، یعنی هفت دور طواف کند، و آن را کم و زیاد نکند.

مسأله ۶۵. اگر عمداً یک شوط یا بیشتر کم کند، واجب است آن را تمام کند در صورتی که کاری که موالات و

پی در پی بودن طواف را به هم می‌زند انجام نداده باشد، و اگر تمام نکند تا موالات به هم بخورد، حکم قطع عمدی را دارد که در مسأله ۵۶ گفته شد.

مسأله ۶۶. اگر سهواً کمتر از هفت دور طواف کند، پس اگر از سه دور و نیم نگذشته، باید طواف را از سر بگیرد، و اگر از سه دور و نیم گذشته و فقط یک دور کم کرده، آن را تمام کند، و اگر بیشتر از یک دور کم کرده، بنابر احتیاط لازم آن را تمام کند و نماز طواف بخواند، و دوباره هفت دور طواف و نماز آن را به جا آورد، ولی در طواف مستحب، تمام کردن کافی است.

مسأله ۶۷. اگر عمداً یک دور یا بیشتر از یک دور زیاد کند به قصد آن که جزء طواف دیگر باشد، قرآن (جمع) بین طوافین است که در طواف مستحب، مکروه، و در طواف واجب، حرام است، بلکه بنابر احتیاط لازم سبب باطل شدن طواف می‌شود؛ چه آن که از اول طواف این قصد را کرده باشد یا در بین یا در آخر، و اگر به قصد لغویت آن را به جا آورده باشد، ضرری به طواف نمی‌زند، و اگر به قصد آن که جزء طواف اول باشد به جا آورد. پس اگر از ابتدای طواف قصد داشته، بی‌اشکال طوافش باطل است، و اگر در بین طواف قصد کند از همان وقت باطل می‌شود، و اگر در آخر

طواف قصد کند، مشهور فرموده اند: طوافش باطل است، ولی احتیاط این است که نماز را بخواند و بعد، طواف را با نماز آن اعاده نماید.

مسأله ۶۸. اگر روی فراموشی بر هفت شوط زیاد کند، پس اگر کمتر از یک دور است آن را رها کند، و طواف او صحیح است، و اگر یک شوط یا بیشتر زیاد کند، احتیاط آن است که آن را به قصد قربت مطلقه (بدون قصد وجوب یا استحباب) به چهارده دور برساند، و بعد دو رکعت نماز طواف واجب بدون تعیین این که طواف واجب اولی است یا دومی پیش از سعی به جا آورد، و دو رکعت نماز طواف بعد از سعی به جا آورد، و بهتر آن است که بعد از عمل به این احتیاط، اصل طواف و نماز آن را دوباره قبل از سعی به جا آورد.

مسأله ۶۹. اگر بعد از طواف، در عدد دورهای آن شک کند به آن شک اعتنا نکند، و اگر در آخر یکی از دورها شک کند که آن شوط هفتم بوده یا هشتم، بنا بگذارند که دور هفتم بوده است یا هشتم، احوط به جا آوردن نماز طواف و اعاده طواف با نماز آن است.

مسأله ۷۰. اگر یقین داشته باشد که بیشتر از هفت شوط طواف نکرده، و شک در عدد آن کند، وجوب از سر گرفتن

طواف، خالی از قوت نیست، و احتیاط آن است که بنا را بر اقل بگذارد و تمام کند، و نماز طواف بخواند، و بعد طواف را از سر بگیرد.

مسأله ۷۱. اگر ازدحام جمعیت، انسان را مقداری در طواف جلو ببرد، در صورتی که به کلی از اختیار او خارج نشود، و قصد طواف داشته باشد، اشکال ندارد.

مسأله ۷۲. طواف و سعی به وسیله چرخ هایی که اخیراً معمول شده یا نشستن در طبقه ها یا سوار شدن بر دوش دیگران برای معذور اشکال ندارد، و اگر با پای خود برود، ثواب آن زیادتر است.

مستحبات و مکروهات طواف

مسأله ۷۳. مستحب است که در حال طواف سربرهنه و پا برهنه، و مشغول دعا و ذکر خدا باشد، و حرف بیهوده نزنند، و کارهایی که در نماز مکروه است انجام ندهد، و گام ها را کوچک بردارد، و مستحب است که در حال طواف این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى حِدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرُشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَفْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَ

ص: ۵۷

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَىٰ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّهُ مِنْكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي (كَذَا وَ كَذَا).

و حاجت خود را بطلبد، و سنت است که در حال طواف نیز بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي وَ لَا تُعَيِّرْ جِسْمِي.

و در هر شوط که به در خانه کعبه رسد، صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و این دعا را بخواند:

سَأُئِيكَ فَقِيرٌكَ مِسْكِينُكَ بِنَابِكَ فَتَصِدَّقْ عَلَيْهِ بِإِلْجَنِهِ اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ الْحَرَمُ حَرَمُكَ وَ الْعَبِيدُ عَبِيدُكَ وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتِنِي وَ وَالِدِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ.

و چون به حجر حضرت اسماعیل علی نبینا و آلہ و علیہ السلام برسد نگاه به ناودان طلا کند و بگوید:

يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطُّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكِرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطُّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكِرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ

فَضَاعِفُهُ وَ تَقَبَّلُهُ مِنِّي أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ وَ الْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمَنَّانَ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ
يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي
الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ جَعَلَ عَلَيْنَا إِمَامًا، اللَّهُمَّ أَهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَ جَنِّبْهُ شِرَارَ
خَلْقِكَ.

و چون میان رکن یمانی و حجر الاسود برسد بگوید:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ

و چون در شوط هفتم به مستجار رسد - و آن پشت کعبه و نزدیک به رکن یمانی است - برابر در خانه بایستد، و دست ها را
رو به خانه بگشاید، و اگر می تواند روی خود و شکم خود را به کعبه برساند و بگوید:

اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنْ

النَّارِ اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرُّوحَ وَ الْفَرْجَ وَ الْعَافِيَةَ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَ اغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ اسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.

و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدِي أَفْوَاجًا مِنْ ذُنُوبٍ وَ أَفْوَاجًا مِنْ خَطَايَا وَ عِنْدَكَ أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةٍ وَ أَفْوَاجٌ مِنْ مَغْفِرَةٍ يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِابْتِغَاضِ خَلْقِهِ إِذْ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ اسْتَجِبْ لِي.

پس حاجت خود را بطلبد، و بسیار دعا بخواند و اقرار به گناهان خود کند، و هر چه را به خاطر نداشته باشد، مجملًا اقرار کند، و طلب آمرزش نماید که البته آمرزیده می شود ان شاء الله تعالی.

پس چون به حجر الاسود رسید بگوید:

اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي.

و می باید کمال ملاحظه را بکند در هر مرتبه که می رود اگر می تواند حجر را ببوسد، و اگر نتواند استلام کند، و اگر استلام، باعث زحمت باشد از دور اشاره کند، و هم چنین مستحب است استلام سایر ارکان، و نیز مستحب است که خود را به مستحار بمالد، و آنجا را نشان کند، و چون این اعمال را به جا آورد، باز به جای خود رود، و از آنجا به طواف ادامه دهد تا زیاده و کم در طواف حاصل نشود.

ص: ۶۰

مسأله ۷۴. واجب است بعد از هر طواف واجب، دو رکعت نماز مثل نماز صبح به نیت نماز طواف نزد مقام حضرت ابراهیم علیه السلام به جا آورد؛ جهراً یا اخفاً، و احتیاط آن است که نماز را بعد از طواف فوراً بخواند، و نیز احتیاط آن است که نماز را در پشت مقام بخواند، یعنی طوری بایستد که سنگی که نشانه پای حضرت ابراهیم علیه السلام بر آن است روی او باشد، و اما اگر به علت زیادی جمعیت نتواند در جایی بایستد که عرفاً بگویند پشت مقام ایستاده است، باید در یکی از دو طرف مقام بایستد، و نماز بخواند، و اگر آن هم ممکن نباشد، در هر جایی از مسجد که به پشت مقام و دو طرف آن نزدیک تر است نماز را بخواند، و بهتر آن است که هر وقت توانست نماز را دوباره پشت مقام بخواند رجاءاً.

مسأله ۷۵. نماز طواف مستحب را می توان در هر جایی از مسجد به جا آورد، بلکه بعضی فرموده اند که ترک آن عمداً جایز است لیکن سزاوار نیست آن را ترک نماید.

مسأله ۷۶. اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کرد، هر وقت یادش آمد باید در پشت مقام به تفصیلی که در مسأله قبل ذکر شد به جا آورد، و اگر سعی و کارهای دیگر را به جا

آورده، لازم نیست دوباره سعی را به جا آورد، اگر چه احوط است.

مسأله ۷۷. کسی که واجبات نماز، مثل قرائت و غیر آن را نداند علاوه بر آن که نمازهای واجب دیگر یاد گرفتن آن بر او واجب است؛ برای نماز طواف نیز باید این احکام را یاد بگیرد، و قرائتش را صحیح نماید، و اگر اصلاً قادر بر تلفظ صحیح بعض کلمات نیست به همان صورتی که می تواند بخواند، و اگر نایب هم بگیرد، مطابق احتیاط است.

مسأله ۷۸. کسی که نماز طواف را فراموش کرده است، باید برگردد و پشت مقام به جا آورد، و اگر برگشتن به مسجد برایش دشوار باشد، می تواند آن را در هر محلی که یادش آمد بخواند، هر چند در شهر دیگری باشد، و بهتر آن است که نایب هم بگیرد تا پشت مقام برای او به جا آورد.

مسأله ۷۹. اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند، و پیش از به جا آوردن آن بمیرد، باید پسر بزرگتر، قضای آن را به جا آورد، مثل سایر نمازهایی که از میت فوت شده است.

مستحبات نماز طواف

مستحب است که در رکعت اول نماز طواف، بعد از حمد، سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) و در رکعت دوم بعد از حمد سوره (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) بخواند، و چون از نماز فارغ شود، حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و صلوات بفرستد و بگوید:

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ لِمَا تَجَعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعَمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَ يَرْضَى
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي.

و در بعضی از روایات وارد است که بگوید:

اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِّمَ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ
وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ

پس به سجده رود و بگوید:

سَجِدَ لَكَ وَ جِهِي تَعْبُدًا وَ رِقًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي
بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ.

سعی بین صفا و مروه

مسأله ۸۰. بعد از نماز طواف، واجب است هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی نماید، یعنی از ابتداء صفا پیاده یا سواره یا بر دوش کسی به مروه برود، و این یک مرتبه حساب می شود، و از مروه به صفا برگردد، که با رسیدن به صفا، دو مرتبه سعی کرده است. پس به واسطه هر رفتن از صفا به مروه و برگشتن، دو سعی حاصل می شود و به این ترتیب سعی را به جا آورد، و سعی هفتم در مروه تمام می شود.

مسأله ۸۱. در سعی، وضو و غسل و پاک بودن بدن و لباس شرط نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که با غسل یا وضو باشد.

واجبات سعی

مسأله ۸۲. هشت چیز در سعی واجب است:

اول: نیت است. پس در سعی برای عمره مفرده چنین نیت کند: «برای انجام فرمان خداوند متعال هفت مرتبه سعی عمره مفرده بین صفا و مروه به جا می آورم.»

و مستحب است نیت را به زبان بیاورد، و باید پیش از شروع به سعی نیت کند که اولین جزء سعی با نیت باشد.

ص: ۶۴

دوم و سوم: آن است که سعی را از صفا شروع و به مروه تمام کند، و احتیاط آن است که برای تحصیل اطمینان قدری از تلی که در جانب صفا و مروه است بالا رود، و از آنجا شروع و به آنجا ختم کند.

چهارم: آن است که هفت مرتبه سعی کند؛ نه کمتر و نه بیشتر.

مسأله ۸۳. اگر عمداً بیشتر از هفت بار سعی کند، سعی او باطل می شود، و اگر از جهت ندانستن مسأله یا فراموشی، زیاد کند، سعی او صحیح است.

مسأله ۸۴. اگر سعی را فراموش کرده و یا سهواً از هفت مرتبه کمتر به جا آورد، باید هر وقت یادش آمد، تمام یا بقیه آن را انجام دهد، و اگر از مکه بیرون رفته، اگر چه به وطنش رسیده باشد، باید برگردد و آن را به جا آورد، و اگر نتواند برگردد، باید نایب بگیرد، و احتیاط مستحب آن است که اگر چهار مرتبه سعی نکرده، بعد از اتمام اول، آن را از سر بگیرد.

مسأله ۸۵. کسی که سهواً از هفت مرتبه کمتر سعی کند، آنچه بر او به سبب احرام حرام شده، تا بقیه سعی خود را انجام ندهد حلال نمی شود، و اگر به خیال آن که مُحل شده با زن نزدیکی کند، یک گاو کفاره دارد بنا بر احوط، و

هم چنین است اگر ناخن بگیرد.

مسأله ۸۶. اگر در عمره مفرده با اطمینان این که سعی را انجام داده حلق یا تقصیر نماید، و بعد از آن معلوم شود که انجام نداده، بنا بر احتیاط در هر دو صورت مذکور در مسأله قبل کفاره بدهد، و باید سعی و حلق یا تقصیر را به همان تفصیل، خود یا نایبش انجام دهد.

مسأله ۸۷. اگر در عمره مفرده یا عمره تمتع سعی را فراموش کند، و حلق یا تقصیر نماید، غیر از این که خودش یا نایبش به تفصیلی که گذشت سعی و حلق یا تقصیر را انجام دهد، از بابت کفاره چیزی بر او نیست؛ چه از روی فراموشی با زن نزدیکی کرده باشد، یا نکرده باشد.

مسأله ۸۸. اگر بعد از تمام شدن سعی، شک در عدد کند، به آن شک اعتنا نکند، و سعی او صحیح است، لیکن اگر احتمال می دهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده است، احتیاط آن است که دوباره سعی کند.

مسأله ۸۹. اگر در بین آن که مشغول سعی است و در مروه می باشد شک کند که هفت بار سعی کرده یا بیشتر، به شک خود اعتنا نکند، و بنا را بر تمام بگذارد.

مسأله ۹۰. اگر در بین صفا و مروه شک کند که این مرتبه هفتم است یا هشتم، سعی او باطل است، و باید از سر

بگیرد.

پنجم: آن است که سعی بین صفا و مروه از طریق معمول و متعارف باشد، و از غیر آن صحیح نیست.

ششم: آن است که در وقت رفتن به مروه رو به مروه باشد، و در وقت برگشتن به صفا رو به صفا. پس اگر به طور قهقری عقب عقب برود و برگردد که در وقت رفتن به مروه، رویش به صفا، و در برگشتن، رویش به مروه باشد، سعی او صحیح نیست.

هفتم: آن است که لباس و کفش او مباح باشد، بلکه بنا بر احوط چیز غصبی همراه نداشته باشد، و اگر سواره سعی می کند، باید مرکب او غصبی نباشد.

هشتم: از واجبات، ترتیب بین طواف و سعی است، و اگر فراموش کرد یا به جهت ندانستن مسأله، پیش از طواف سعی کرد، احتیاط واجب آن است که دوباره بعد از طواف سعی را به جا آورد.

مسأله ۹۱. جایز است نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه برای رفع خستگی، و لازم نیست عذری داشته باشد بنا بر اقوی.

مسأله ۹۲. جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن برای رفع خستگی یا تخفیف گرمی هوا، و جایز است بدون عذر

ص: ۶۷

تأخیر بیندازد تا شب، گرچه احتیاط در تأخیر نیانداختن است.

مستحبات سعی

مسأله ۹۳. مستحب است کسی که می خواهد سعی کند نزد حجر الاسود برود، و آن را ببوسد، و دست ها یا بدن را به آن بمالد، یا اشاره کند. پس به نزد چاه زمزم رود، و مقداری از آب آن را بردارد، و بر سر و پشت و شکم بریزد و بخورد و این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ.

پس متوجه صفا شود از دری که محاذی حجر الاسود است، و آن، دری است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن بیرون رفت، با آرامش و خضوع برود بالای کوه صفا تا نظر کند به خانه کعبه، و رو به رکن عراقی کند و حمد و ثنای الهی را به جا آورد، و نعمت های الهی را به خاطر آورد.

پس هفت نوبت الله اکبر بگوید، و هفت نوبت الحمد لله، و هفت نوبت لا اله الا الله. سپس سه مرتبه بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ

هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و سه نوبت بگوید:

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ

پس سه نوبت بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

و سه مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

پس سه مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ

پس صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و صد مرتبه الْحَمْدُ لِلَّهِ و صد نوبت سُبْحَانَ اللَّهِ بگوید، پس بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظْلِمْنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا

ص: ۶۹

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل خود را به خداوند عالم، و بگوید:

أَسْتَئْوِدُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ
وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ

پس سه نوبت بگوید: الله اکبر. سپس دومرتبه دعای سابق را بخواند، و بعد یک بار تکبیر بگوید و بخواند دعای سابق را، و اگر همه عمل گذشته را نتواند بخواند، پس هر قدر که می تواند بخواند.

و مستحب است این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عِيدْتُ فَعِيدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ؛ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ؛ فَإِنَّكَ
إِنْ تَفَعَّلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمْنِي، وَإِنْ تُعِيدَّنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِّي عَائِدِي، وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ
ارْحَمْنِي اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعِيدَّنِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي، أَصِيبْ حُتَّى أَتَقِيَ عَيْدَكَ، وَ لَا أَخَافُ
جُورَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يُجُورُ ارْحَمْنِي.

پس بگوید:

يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفَعُ نَائِلُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ

و در صفا در بالای تل، رو به کعبه این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَضَنْكِهِ اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ

پس از آن قدری پایین آید و بگوید:

يَا رَبَّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ الْعَفْوَ الْعَفْوُ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ ارْزُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ

مسأله ۹۴. مستحب است که پس از نماز طواف، مبادرت به سعی کند، و در حال سعی بدن و لباس او پاک و با وضو یا غسل باشد، و از صفا تا محلی که علامت هروله در آنجا نصب شده به طور متوسط راه برود، یعنی نه تند برود و نه کند، و از آنجا تا علامت دیگر اگر مرد باشد هروله کند، یعنی قدم ها را کوتاه و تند بردارد.

و برای زن ها هروله مستحب نیست، و چون به محل هروله برسد بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ

ص: ۷۱

الْأَكْرَمُ وَاهْدِنِي لِتِي هِيَ أَقْوَمُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي اللَّهُمَّ لَكَ سِعْيِي وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ

پس تند برود تا به محل دیگری که علامت نصب شده، و آنجا هروله را ترک کند، و چون از آنجا بگذرد بگوید:

يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْجُودِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ

و چون به مروه رسد دعای اول را بخواند که در صفا خواند و بگوید:

اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ الْعَفْوِ الْعَفْوِ

و اهتمام کند در گریه کردن، و خود را به گریه بدارد، و دعای بسیار کند در حال سعی، و این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ صِدْقَ التَّيِّبَةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ.

مسأله ۹۵. جایز است سعی را سواره، و بر روی محمل و چرخ به جا آورد، ولیکن راه رفتن، افضل است.

مسأله ۹۶. سعی در طبقه فوقانی بین صفا و مروه اگر بین دو کوه واقع باشد به طوری که به سعی در آن، سعی بین دو کوه صفا و مروه صدق کند مانع ندارد.

مسأله ۹۷. در عمره مفرده بعد از تمام شدن سعی، مرد باید یا مقداری از ناخن یا موی سر یا ریش یا شارب خود را کوتاه کند، و یا سر خود را بتراشد، و زن ها فقط باید به کوتاه کردن مو یا ناخن اکتفاء کنند، و تراشیدن سر برای آن ها جایز نیست.

مسأله ۹۸. باید تقصیر یا حلق با نیت قربت باشد، یعنی به قصد حلال شدن چیزهایی که در حال احرام بر او حرام بوده برای اطاعت فرمان خداوند متعال ناخن یا موی خود را کوتاه کند، و یا سر خود را بتراشد.

مسأله ۹۹. برای مردها تراشیدن سر افضل (بهتر) است.

همان طور که در حدیث است: حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای مردهایی که سر خود را می تراشیدند برای بیرون آمدن از احرام عمره مفرده یا احرام حج، سه مرتبه از خداوند متعال طلب رحمت فرمود، و برای آن ها که تقصیر نمی نمودند، یک مرتبه طلب رحمت کردند.

طواف نساء و نماز آن

مسأله ۱۰۰. در عمره مفرده بعد از تقصیر یا حلق هر کاری که به واسطه احرام بر او حرام شده بود حلال می شود، و فقط حرمت لذت های جنسی بین زن و شوهر بر او باقی است، و وقتی طواف نساء و نماز آن را که مانند طواف عمره و نماز آن است به جا آورد، این حرمت نیز برداشته می شود.

مسأله ۱۰۱. طواف نساء و نماز آن نیز باید به قصد قربت انجام شود، و همین قدر که نیت کند «طواف نساء در عمره مفرده به قصد اطاعت خداوند متعال به جا می آورم کافی است.»

و در نماز آن نیز قصد کند «به قصد اطاعت فرمان خداوند متعال دو رکعت نماز طواف نساء به جا می آورم» کفایت می کند.

مسأله ۱۰۲. چون بخواهد از مکه بیرون برود مستحب است غسل کند، و طواف وداع به جا آورد، و در هر دوری دست یا بدن خود را به حجر الاسود و رکن یمانی برساند، و چون به مستجار رسد دعاهایی را که پیش از این گفته شد بخواند.

پس به نزد حجر الاسود بیاید، و خود را به خانه بسایند، و یک دست به حجر الاسود گذارد، و دست دیگر به جانب خانه بکشاید، و حمد و ثنای خداوند متعال را به جا آورد، و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بفرستد، و مستحب است که از در «حنّاطین» که مقابل رکن شامی است بیرون رود، و عزم کند که دوباره به حج برگردد، و از خدا بخواهد که به او توفیق مراجعت عنایت فرماید، و در وقت بیرون رفتن یک درهم خرما بگیرد و تصدق بدهد بر فقراء، برای احتمال آن که در حال احرام از روی غفلت بعضی محرمات حال احرام را مرتکب شده باشد.

مسأله ۱۰۳. یکی از مستحبات مؤکده مخصوصاً برای حاجی ها، زیارت مرقد منور و روضه مطهر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و مرقد مقدسه اهل بیت خصوصاً حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و ائمه بقیع علیهم السلام است، و در حدیث وارد شده که ترک زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از حج، جفا بر آن حضرت است، و شرح فضایل و ثواب و آداب زیارت هر یک با زیارت هایی که وارد شده در کتاب های دعا و زیارت مفصلاً مذکور است که سزاوار است به آن کتاب ها رجوع شود، و به طور اختصار به بعض مستحبات و آداب اشاره می شود.

۱. مستحب است پیش از ورود به شهر مدینه یا پس از ورود به آن غسل کند، و هم چنین مستحب است غسل کند برای ورود در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و برای زیارت آن حضرت، و اگر در غسل اول هر سه را نیت کند کافی است.

۲. از باب جبرئیل وارد شود.

۳. اذن دخول بخواند.

۴. با آرامی و وقار وارد مسجد شود.

۵. در وقت ورود، دعاهایی را که وارد شده بخواند.

۶. دو رکعت نماز تحیت به جا آورد.

۷. سلام دادن به آن حضرت از جانب پدر و مادر و رفقا.

۸. دو رکعت نماز برای زیارت، و هدیه نمودن ثواب آن برای آن حضرت.

۹. نزد منبر ایستادن، و حمد و ثنای خدا به جا آوردن و دعا کردن.

۱۰. نماز و دعا در مقام جبرئیل علیه السلام.

۱۱. نماز در خصوص روضه بین قبر و منبر.

۱۲. نماز در بیت فاطمه علیها السلام.

۱۳. صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله در وقت ورود و خروج از مسجد.

۱۴. نماز در مقام پیغمبر صلی الله علیه و آله.

۱۵. دو رکعت نماز نزد اسطوانه ابی لبابه معروف به اسطوانه توبه، و خواندن نمازهای وارده.

۱۶. مواظبت بر ادای نمازهای واجب در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله.

و بر حسب بعض روایات، ثواب نماز در مسجد آن حضرت معادل با هزار نماز در مساجد دیگر غیر از مسجد الحرام، و در بعضی روایات برابر ده هزار نماز است.

۱۷. در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله صدا را بلند نکند.

۱۸. در مدینه از تصدق به فقیر هرچه می تواند کوتاهی نکند، و هم چنین بسیار تسبیح و ذکر بگوید، و قرائت قرآن بکند و استغفار بنماید و صلوات بسیار بفرستد.

۱۹. زیارت حضرت فاطمه زهرا صلی الله علیه و آله در خانه آن حضرت، و بین قبر و منبر (روضه) و در بقیع بنماید.

۲۰. زیارت فاطمه بنت اسد مادر محترمه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، و ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله در بقیع.

۲۱. زیارت جناب حمزه و سایر شهدای احد، در احد.

۲۲. رفتن به مسجد قبا و مشربه ام ابراهیم فرزند رسول خدا، و مسجد فضیخ که در آن ردّ شمس برای امیرالمؤمنین علیه السلام شده، و مسجد احزاب و مساجد دیگری که در این مساجد نماز خواندن خصوصاً مسجد قبا فضیلت بسیار دارد.

۲۳. مستحب است نماز در مسجد غدیر خم که در بین مکه و مدینه در طرف رابع واقع است.

والحمد لله اولاً و آخراً

شیخ کفعمی فرموده چون خواستی داخل شوی به مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله یا در یکی از مشاهد مشرفه ائمه طاهرین علیهم السلام پس بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ»

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيُرْذُونَ سَلَامِي وَأَنْكَ حَجَبَتِ عَنِّي سَمْعِي

كَلَامَهُمْ وَفَتَحَتْ بَابَ فَهْمِي بِلَدِيدِ مُنَاجَاتِهِمْ وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلًا وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا وَ أَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَي طَاعَتُهُ.

و نام آن امامی را که زیارت می کند ذکر کند، و هم چنین نام پدرش را ببرد، مثلاً اگر در زیارت امام حسین علیه السلام است بگوید:

«الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَام...»

و هكذا پس بگوید:

وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا أَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْخُلُ يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ أَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُتَقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَانْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ.

پس داخل شو و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِإِلَهِهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَيَّ مَلَهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تَبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

کیفیت زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله

کیفیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چنین است: هر گاه وارد شادی به مدینه پیغمبر صلی الله علیه و آله، پس غسل کن برای زیارت، و چون خواستی داخل مسجد آن حضرت شوی، بایست نزد در و بخوان اذن دخول را، و داخل شو از در جبرئیل، و مقدم بدار پای راست را در وقت دخول.

سپس صد مرتبه «الله اکبر» بگو پس دو رکعت نماز تحیت مسجد بگزار، و برو به سمت حجره شریفه و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرَّسَالَهَ وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزُّكُوهَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَصَلِّوْا لِلَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَتُهُ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

پس بایست نزد ستون پیش که از جانب راست قبر مطهر است رو به قبله که دوش چپ به جانب قبر باشد، و دوش راست به جانب منبر که موضع سر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ نَصِيحَتِ لَأُمَّتِكَ وَ جَاهِدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَيَّدْتَ اللَّهُ حَيَّتِي أَتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ أَدَيْتَ الَّذِي عَلَيَّكَ مِنَ الْحَقِّ وَ أَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غُلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلُّ الْمُكْرَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشُّرُكِ وَ الضَّلَالَةِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ مَنْ سَبَّحَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِينَ وَ الْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صَفِيِّكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَ آتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَ الْآخِرُونَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً» وَ إِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي وَ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي.

و اگر تو را حاجتی باشد رو به قبله کن، و دست ها را بردار و حاجت خود را طلب نما به درستی که سزاوار است که بر

زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

اشاره

پس زیارت کن حضرت فاطمه سلام الله علیها را از نزد روضه مطهره، و مستحب است که بگویی:

السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ صَفِيٍّ فِي اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَ خَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الصَّديقَةُ الشَّهِيدَةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمُحَدِّثَةُ الْعَلِيمَةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَعْصُوبَةُ السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَفْهُورَةُ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ وَبَيْنِكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَصِيَّتِ عَلَى بَيْنِهِ مِنْ رَبِّكَ وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ وَصَلَكَ
فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَنَّكَ بَضْعُهُ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ
جَنَبَيْهِ أَشْهَدُ اللَّهُ وَرُسُلُهُ وَمَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَتَ عَنْهُ سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ مُوَالٍ لِمَنْ
وَأَلَيْتَ مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً وَمُثِيباً.

پس صلوات می فرستی بر حضرت رسول و ائمه علیهم السلام.

زیارت دوم

زیارت دوم، زیارتی است که سید بن طاووس علیه الرحمه نقل نموده:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِاتِمَّةَ الْحُجَّجِ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ
حَقُّهَا.

ص: ۸۶

پس بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ وَابْنِهِ نَبِيِّكَ وَزَوْجِهِ وَصَلِّ عَلَى نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَزَلُّفُهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِينَ.

که روایت شده است هر که به این زیارت آن حضرت را زیارت کند، و از خداوند طلب آمرزش کند، حق تعالی گناهانش را بپامرزد و او را داخل بهشت نماید، و بعضی از علما این زیارت را اختصاص داده اند به روز وفات آن مظلومه که سوم جمادی الثانی باشد، و صلوات بر آن مظلومه این است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّديقِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أُمَّ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْرَفِيائِكَ الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا اللَّهُمَّ وَ كُنِ النَّائِرَ لَهَا بِجَدَمِ أَوْلَادِهَا اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أُمَّهُ الْهُدَى وَ حَلِيلَةَ صَاحِبِ اللُّوَاءِ وَ الْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلِكِ الْأَعْلَى فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمَّهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ تَقَرَّبْ بِهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا وَ أَبْلِغْهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ.

در بحار الانوار از تهذیب نقل می کند از ابراهیم بن محمد عریضی که حضرت باقر علیه السلام فرمودند: وقتی که موفق

شدی به زیارت جده خود فاطمه سلام الله علیها بگو:

يَا مُمْتَحَنَهُ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَحِّدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَ زَعَمْنَا أَنَّا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ
لِكُلِّ مَا أَنَا بِهٖ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَنَا بِهٖ وَصِيُّهُ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقِّتَنَا بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا
قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ.

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام یعنی حضرت امام حسن مجتبی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام.

چون خواستی زیارت کنی این بزرگواران را باید به عمل آوری آنچه در آداب زیارت ذکر شد از غسل و طهارت و پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و استعمال بوی خوش و رخصت طلبیدن در دخول و مانند این ها، و نیز بگو:

يَا مَوَالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ عِبْدُكُمْ وَ ابْنِ أُمَّتِكُمُ الدَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَ الْمُضْعِفُ فِي عُلُوِّ قَسَدِكُمْ وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ جَاءَكُمْ
مُسْتَجِيرًا بِكُمْ قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ ءَ أَدْخُلُ يَا مَوَالِيَّ ءَ أَدْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ

ءَأَذْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحْدِقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ.

و بعد از خضوع و خشوع و رقت داخل شو و پای راست را مقدم دار و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمِدِ الْمَاجِدِ الْأَحَدِ الْمُتَفَضَّلِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوَّلِ الْحَنَّانِ الَّذِي مَنْ بَطَّوَلَهُ وَسَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَتِي بِإِحْسَانِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ.

پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو و پشت به قبله و رو قبر ایشان کن، و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةَ الْهُدَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحُجَّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَّامُ فِي الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الصَّفْوَةِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ النَّجْوَى أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَيْحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكُذِّبْتُمْ وَأُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَائِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَأَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ وَأَنَّكَ الْأَرْضَ لَمْ تَزَالُوا بَعَيْنِ اللَّهِ يَنْسِيحُكُمْ فِي أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَ يَنْفُلُكُمْ مِنْ

أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدْنَسِكُمُ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَلَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ طُبْتُمْ وَطَابَتْ مَنُوبَتِكُمْ مَنْ بِيكُم عَلَيْنَا دَيَانُ الدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صِلَاؤَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا إِذَا اخْتَارَكُمُ لَنَا وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَيِّمِينَ بِعِلْمِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ وَهَذَا مَقَامٌ مَنْ أَسِيرَفَ وَأَخْطَأَ وَاسْتَتَكَانَ وَ أَقْرَبَ بِمَا جَنَى وَرَجَا بِمَقَامِهِ الْخُلَاصَ وَ أَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكِي مِنَ الرَّدَى فَكُونُوا لِي سُفْعَاءَ فَصَدِّقُوا وَفَدَّتْ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغَبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَ اتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنْ بِي مَا وَفَّقْتَنِي وَ عَرَّفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَ جَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُ فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَّصْتَهُمْ بِي مَا خَصَّصْتَنِي بِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَ لَا تُحَيِّنِي فِيمَا دَعَوْتُ بِحُزْمِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

پس دعا کن از برای خود به هر چی خواهی و بعد از آن هشت رکعت نماز زیارت کن، یعنی از برای هر امامی دو رکعت.

در جمیع روضات مقدسه باید به زیارت امین الله مواظبت نمود. از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مأثور است که به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام آمد نزد قبر ایستاد و گریست، و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

اگر زیارت برای غیر امیر المؤمنین علیه السلام خوانده شود، السلام عليك يا امير المؤمنين در آن گفته نمی شود، بلکه رجاء نام امامی را که زیارت می کند برد، و بعد بدون هیچ تغییری زیارت را تا آخر بخواند، لیکن در قبرستان بقیع که قبور شریفه چهار امام هم در آنجاست، هرگاه همه آن بزرگواران با هم به یک مرتبه زیارت امین الله خواندن زیارت شوند، زیارت را به این نحو شروع کند:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَمْنَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتُمْ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتُمْ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى دَعَاكُمْ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ فَقَبَضَكُمْ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَ أَلْزَمَ أَعْدَاءَكُمْ الْحُجَّةَ مَعَ مَا

لَكُمْ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ

و از جمله "اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ" بدون تغییر زیارت را تا آخر بخواند:

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ مُحِبَّةً لِحَبْلِهِ أَوْلِيَاءِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آيَاتِكَ مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحِهِ لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَتَنَةً بِسُنَنِ أَوْلِيَاءِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ

پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّ وَ سُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَ أَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَ أَفئِدَةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةٌ وَ أَصْوَاتَ السَّادِعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَ أَبْوَابَ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ وَ دَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ وَ تَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَ عَبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَ الْإِغَاثَةَ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مُوجُودَةٌ وَ الْإِعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةٌ وَ عِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةٌ وَ زَلَّلَ مَنْ اسْتَفَالَكَ مَقَالَهُ وَ أَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَ أَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ وَ عَوَائِدَ الْمُزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ وَ ذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ وَ حَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ

وَ جَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُؤَفَّرَةً وَ عَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً وَ مَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً وَ مَنَاهِلَ الظَّمَاءِ مُتْرَعَةً اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَ اقْبِلْ ثَنَائِي وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ إِنَّكَ وَ لِي نِعْمَ الْغَنِيُّ وَ مُنْتَهَى مَنَائِي وَ غَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ

در کامل الزیاره این اضافات مسطور است:

أَنْتَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ اغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا وَ كُفِّ عَنَّا أَعْيَادَنَا وَ اشْغَلْهُمْ عَنَّا أَذَانَنَا وَ أَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَ أَدْخِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَ اجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

سایر زیارات در مدینه طیبه

در زیارت ابراهیم فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می ایستی نزدیک قبر و می گویی:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى صِدْقِي اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَيْرِهِ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَ السُّعَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ

عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السُّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسِيمُ الزَّكِيُّ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَيْرِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
ابْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَ
الْجَانِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَالْعَلَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مَنْ حَبَّاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدِ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ إِعْطَاءٍ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَ
حَرَامَهُ فَتَقْلَمَكَ إِلَيْهِ طَيِّبًا زَاكِيًّا مَرْضِيًّا طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَبَوَّأَكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ
الْعُلَى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً تَقَرُّ بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ وَتُبْلَغُهُ أَكْبَرُ مَأْمُولِهِ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا وَأَنْمَى بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا عَلَى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ وَعَلَى مَا نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ وَإِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ

أَنْ تَجْعَلَ سِعِي بِهِمْ مَشْكُوراً وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُوراً وَ حَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً وَ عَافِيَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً وَ حَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَةً وَ أَعْمَالِي بِهِمْ مَرْضِيَةً وَ أُمُورِي بِهِمْ مَسْجُودَةً وَ شُؤْنِي بِهِمْ مَحْمُودَةً اللَّهُمَّ وَ أَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ وَ نَفْسَ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ ضِيقِ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ وَ ائْتِنِي ثَوَابَكَ وَ أَسْكِنِي جَنَاتِكَ وَ ارْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَ أَمَانَكَ وَ أَشْرِكْ فِي صَالِحِ دُعَائِي وَ الْوَالِدِي وَ وُلْدِي وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْمَمُوتِ إِنَّكَ وَ لِي الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ پس بخواه حاجات خود را، و دو رکعت نماز زیارت بخوان.

زیارت جناب فاطمه بنت اسد والده محترمه امیر المؤمنین علیه السلام

می ایستی نزد قبر شریفش و می گویی:

السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ سَيِّدِ
الْمَآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَى مَنِ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ
الْهَاشِمِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّادِقَةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَرِيمُ الرِّضِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَهُ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَهُ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَزَيَّنَتْهَا لَوْلَى اللَّهِ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ
الطَّاهِرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ الْكَفَالَهَ وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاهُ اللَّهُ وَ
بِالْغَتِ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفَهُ بِحَقِّهِ مُؤْمِنَهُ بِصِدْقِهِ مُعْتَرِفَهُ بِنُبُوَّتِهِ مُسْتَبْصِرَهُ بِنِعْمَتِهِ كَافِلَهُ بِتَرْبِيَّتِهِ مُشْفِقَهُ عَلَى نَفْسِهِ وَأَقْفَهُ عَلَى
خِدْمَتِهِ مُخْتَارَهُ رِضَاهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى الْإِيمَانِ وَالتَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَذْيَانِ رَاضِيَهُ مَرْضِيَهُ طَاهِرَهُ زَكِيَهُ تَقِيَهُ نَقِيَهُ فَرَضِيَهُ اللَّهُ
عَنْكَ وَأَرْضَاكَ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوَاكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا وَتَبْنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا وَلَا
تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَشَفَاعَةَ الْمَائِمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا وَارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ
مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا وَارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ

آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

پس دو رکعت نماز زیارت می کنی، و دعا می کنی به آنچه خواهی.

زیارت حضرت حمزه عم بزرگوار پیغمبر در احد

چون به زیارت آن حضرت رفتی می گویی نزد قبرش:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسِيدَ اللَّهِ وَأَسِيدَ رَسُولِهِ أَشْهَدُ
أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَجِدْتَ بِنَفْسِكَ وَنَصِيحَتِ رَسُولِ اللَّهِ وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي
أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِحَدِّكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ الشَّفَاعَةَ أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خُلَاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارِ
اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي فَزِعًا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي أَتَيْتُكَ مِنْ شُقِّهِ بَعِيدِهِ
طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقِيتِي مِنَ النَّارِ وَقَدْ أَوْفَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي وَأَتَيْتُ مَا أَسِيخَطُ رَبِّي وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ
الرَّحْمَةِ فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فِقْرِي وَحَاجَتِي فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا وَأَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا وَسَكَبْتُ عَثْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِيًا وَ

صَرْتُ إِلَيْكَ مُفْرِدًا وَأَنْتَ مَمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ وَحَثَّنِي عَلَى بِرِّهِ وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ وَهَدَانِي لِحُبِّهِ وَرَعَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ وَ
أَلْهَمَنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ وَلَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاهُمْ وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ وَلَا يَسْعُدُ مَنْ عَادَاهُمْ

پس رو به قبله کن و دو رکعت نماز زیارت به جا آور، و بعد از فراغ خود را به قبر بچسبان و بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومِي لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيَجِيرَنِي مِنْ نِقْمَتِكَ
وَ سَيِّخِطِكَ وَ مَقِيحِكَ فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ وَ تَشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ وَ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا فَإِنْ تَرَحَّمَنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ
عَلَيَّ وَ لَا حُزْنَ وَ إِنْ تُعَاقِبْ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَيَّ عِنْدِهِ وَ لَا تُخَيِّبْنِي بَعْدَ الْيَوْمِ وَ لَا تُضَيِّرْفِنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ
وَ تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ائْتِنَاءَ مَرْضَاتِكَ وَ رَجَاءِ رَحْمَتِكَ فَتَقَبَّلْ مِنِّي وَ عِمْدَ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي وَ بَرَأْفَتِكَ عَلَيَّ جِنَائِي نَفْسِي فَقَدْ عَظُمَ
جُزْئِي وَ مَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي وَ لَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ فَانظُرْ الْيَوْمَ تَقَلُّبِي عَلَيَّ قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ فَبِهِمَا فُكِّنِي مِنَ النَّارِ وَ لَا تُخَيِّبْ
سَعْيِي وَ لَا يَهُونَنَّ عَلَيْكَ ائْتِهَالِي وَ لَا تَحْجِبَنَّ عَنْكَ صَوْتِي وَ لَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ

ص: ۹۸

وَمَحْزُونٍ وَيَا مُفْرَجًا عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانِ الْغَرِيقِ الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْظُرْ إِلَى نَظَرِهِ لَا أَشْقَى
 بَعْدَهَا أَبَدًا وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَعَبْرَتِي وَانْفِرَادِي فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَمَّا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سَوَاكَ فَلَا تَرُدَّ أَمَلِي
 اللَّهُمَّ إِنَّ تَعَاقِبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَيْدِهِ وَجَزَائِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ فَلَا أَحْيَبَنَّ الْيَوْمَ وَلا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي وَلا تُخَيِّبَنَّ شُحُوصَتِي وَ
 وَفَادَتِي فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفَقَتِي وَاتَّعَبْتُ بَدَنِي وَقَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ وَخَلَفْتُ الْأَهْلَ وَالْمَالَ وَ مَا خَوْلْتَنِي وَ آثَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلَى نَفْسِي
 وَ لُمَدْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ فَعِدْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَ بِرَأْفَتِكَ عَلَى ذَنْبِي فَقَدْ عَظُمَ
 جُزْمِي بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

زيارت قبور شهدای احد رضوان الله عليهم

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ
 الْمُؤْمِنُونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَ التَّوْحِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ سَلَامٌ
 عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَ اصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَذَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِيِّهِ وَجِدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى
مَنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَعَرَّفْنَا وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ
النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ وَأَنَّكُمْ لِمَنْ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَعَلَى
مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَبَحَقُّكُمْ عَارِفًا وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا وَبِمَا سَبَقَ
مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَمَرْضَى الْأَفْعَالِ عَالِمًا فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ اللَّهُمَّ
انْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ وَتَبْنِي عَلَى قَصْدِهِمْ وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا
فَرَطٌ، وَنَحْنُ بِكُمْ لَأَحِقُونَ.

و می خوانی سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) آنچه توانی.

زیارت وداع

هرگاه خواستی از مدینه بیرون آیی غسل کن، و می روی

نزد قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله برو و زیارت آن بزرگوار را به جا آور. پس وداع کن آن حضرت را و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَ أَسْتَرْعِيكَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِمَا جِئْتُ بِهِ وَ دَلَّلْتُ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ
آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ
أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

و حضرت صادق علیه السلام (علی المحکی) در وداع قبر پیغمبر به یونس بن یعقوب فرموده بگو:

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.

زیارت رجبیه

(۱)

شیخ طوسی روایت کرده از جناب ابوالقاسم حسین ابن روح رضی الله عنه که نایب خاص حضرت صاحب الامر علیه السلام است که فرمود: زیارت کن در هر مشهدی که باشی از

ص: ۱۰۱

۱- (۱) چون بسیاری از مؤمنین در ماه شریف رجب به مدینه طیبه مشرف می شوند، از این رو از ثواب این زیارت غافل باشند، و آن را در مشاهد مشرفه بخوانند.

مشاهد مشرفه در ماه رجب به این زیارت. چون داخل شدى مى گویى:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدًا أَوْلِيَّائِهِ فِي رَجَبٍ وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدَّ وَجَبَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ وَعَلَى
أَوْصِيَّائِهِ الْحُجْبِ اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدْنَا مَشْهَدَهُمْ (مَشَاهِدَهُمْ) فَانْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ وَأُورِدْنَا مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ مُحَلِّثِينَ عَنَّا وَرِدِّ فِي دَارِ
الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكُمْ إِنِّي قَدْ قَصَدْتُكُمْ وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتِي وَحَاجَتِي وَهِيَ فَكَاكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي
دَارِ الْقَرَارِ مَعَ شَيْعَتِكُمُ الْأَبْرَارِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ أَنَا سَيِّئُكُمْ وَآمَلُكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّغْوِيضُ وَعَلَيْكُمْ
التَّغْوِيضُ فَبِكُمْ يُجَبَّرُ الْمَهِيضُ وَيُشْفَى الْمَرِيضُ وَمَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ إِنِّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ (مُؤْمِنٌ) وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ وَعَلَى
اللَّهِ بِكُمْ مُتَّسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي وَقَضَائِيهَا وَإِنْجَائِيهَا وَإِنْجَاحِيهَا وَإِبْرَاحِيهَا (وَإِزَاحِيهَا) وَبِشُؤْنِي لَمَدِيكُمْ وَصِلَامِيهَا وَالسَّلَامُ
عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُودَعٌ وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودَعٌ يَسْأَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ وَسَعِيَهُ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُنْقَطِعٍ وَأَنْ يُرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ
إِلَى جَنَابِ مُمَرِّعٍ وَحَفْضِ (عَيْشِ) مُيُوسَعٍ وَدَعِيهِ وَمَهْلٍ إِلَى حِينِ (خَيْرِ) الْأَجَلِ وَخَيْرِ مَصِيرٍ وَمَحَلٍّ فِي النَّعِيمِ الْأَزَلِ وَالْعَيْشِ
الْمُقْتَبَلِ وَدَوَامِ الْأَكْلِ وَ

ص: ١٠٢

شُرِبَ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسِيلِ (السَّلْسِيلِ) وَعَيْلٌ وَنَهْلٌ لَأَسَآءَ مِنْهُ وَلَا مَلَلٌ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ وَ
الْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

ص: ١٠٣

تذکرہ مهم

ص: ۱۰۵

برادران و خواهران ایمانی که به شرف انجام عمره مفرده مشرف می شوید، در این سفر روحانی که به واسطه استفاده از هواپیما و ماشین و وسایل رفاهی دیگر زحمت سفر را احساس نمی کنید، به عظمت و مقصد و قداست نیتی که دارید و به شرافت سفری که به آن می روید توجه داشته باشید.

در همه حالات، مراقب رفتار و گفتار خود بوده، و لحظه ای از یاد خدا و ذکر و فکر و دعا و حسن معاشرت با هم سفران و فروتنی و خودسازی غافل نشوید، ظاهر و باطن خود را اصلاح نمایید، و حال خود را در ارتباط با خدا، صالح و پاک سازید.

سفر حج و سفر عمره سفر به سوی خدا و از بهترین راه تهذیب نفس و ریاضت شرعیه است. همه منازل و مشاعر و مواقف آن تقرب بخش و روح پرور و متضمن انواع تصفیه و اقسام تحلیه و وصول به مدارج کمال است.

ص: ۱۰۷

حضرات ائمه طاهرین علیهم السلام که در انجام این برنامه ها بیشتر از هر کس در اقیانوس های بی کران ثواب و رحمت و درک عظمت الهی شناور می شدند، و تعظیم کعبه معظمه و تجلیل از بیت خدا و این سفر پر فیض و مقصدی که داشتند پیاده طی طریق می کردند، و از آنچه به نظر ما همه اش تحمل رنج و زحمت است؛ چه لذت های توصیف نشدنی می بردند. حضرت امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین سید الشهداء علیهما السلام پیاده به حج می رفتند.

حضرت مجتبی علیه السلام بیست مرتبه پیاده به حج رفته اند، و امام زین العابدین علیه السلام در بیست روز راه مدینه طیبه تا مکه معظمه را پیاده طی می فرمودند.

در خصوص عمره مفرده روایت است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در چهار عمره پیاده به مکه مکرمه رفتند، گاه در بیست و شش روز، و گاه در بیست و پنج روز، و در یک سفر بیست و چهار روز، و در یک سفر بیست و یک روز راه خانه خدا را پیاده طی فرمودند.

سزاوار است ما و هر کس از این سعادت ها محروم است آن را از راه حضور قلب دائم در این سفر، و صرف اوقات در عبادت، و طلب مغفرت، و اعاده حیثیت و ساختن شخصیت

ایمانی جبران نماید، و دعا و نیایش و توسل به ذیل عنایات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت سیده نساء العالمین و ائمه طاهرین علیهم السلام را غنیمت بشمارد، و در مکه و مدینه در کوچه ها و خیابان ها و مساجد و اماکن شریفه آن، همه جا جای پا و آثار آن ها را به چشم دل ببیند، و لحظه ای از این معانی غافل نشود، و یا این که از خدا بخواهد که همه ساله این توفیق نصیبش شود، و در وداع با آن مقامات و مزارات چنان باشد که می خواهد از عزیزترین عزیزانش مفارقت کند.

و بالاخره برای دوستان و اقوام و مؤمنین دعا کند، و آنان را در دعا بر خود مقدم بدارد، و در درجه اول برای سلامتی و فرج حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه دعا نماید.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ قَرِّبْ زَمَانَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْ اَعْوَانِهِ وَ اَنْصَارِهِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

ص: ۱۰۹

لَتَبِيكَ اللَّهُمَّ لَتَبِيكَ لَتَبِيكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَتَبِيكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَتَبِيكَ

این لیبیک ها بلافاصله بعد از احرام عمره گفته شود.

قبل از هر یک از اعمال عمره حج، باید همان عمل را نیت کرد.

ص: ۱۱۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

